



۳۰ آبان ماه ۱۳۵۷ شمسی (۲۵۳۷)
 ۲۰ ذیحجه ۱۳۹۸ هجری قمری
 ۲۱ نوامبر ۱۹۷۸ میلادی
 سه شنبه

تذکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی صبح روز سه شنبه (۳۰) آبان ماه ۱۳۵۷ شمسی

فهرست مطالب:

غلامرضا ازهاری.

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.
- ۲- تقدیم سؤالات و تذکرات بوسیله آقایان: غلامرضا غضنفری لرستانی- حسین کاشفی و خورشید فضل الله کاسمی- پرویز فرهنگ بیگوند - خسروی دارانی
- ۳- طرح و بررسی برنامه دولت تیمسار ارتشبد
- ۴- تقدیم دو طرح بوسیله آقای حسن قرائی (۱) راجع به ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری مراتع و جنگلها (۲) راجع به ماده ۱۲ قانون گسترش قطبهای کشاورزی.
- ۵- تعیین موقع جلسه آینده پایان جلسه.

جلسه ساعت نه صبح بریاست آقای دکتر جواد سعید تشکیل شد

۱- قرائت اسامی

رئیس- سؤالات و تذکرات بدولت ابلاغ میشود.

رئیس-

۳- طرح و بررسی برنامه دولت تیمسار ارتشبد

غلامرضا ازهاری.

- رئیس- وارد دستور بشویم برنامه دولت تیمسار ارتشبد ازهاری مطرح است آقای دکتر رحمانی بفرمائید.
- دکتر کاظم رحمانی - به قرآن کریم سوگند یاد کرده‌ایم که قانون اساسی و متمم آنرا گرامی داشته و هیچگاه کلمه‌ای که مغایر با مفاد آن باشد بیان نکرده و محافظت بر سرسخت و بی پروا در مقابل هر نوع خدشه و نیرنگی از آن باشیم (صحیح است).
- با اعتقاد کامل به این اصل مسلم عرایضم را در ساخت مقدس مجلس شورای ملی شروع نموده و خدای را گواه میگیرم که جز راه ثواب و مصالح ملی و مذهبی نگویم (احسنست).
- تا جائیکه اطلاع دارم تاکنون در قانون اساسی
- نریزی- اردلان
 باقری- دکتر پرومند
 بزرگکرمی- محترقیانی- فی احمد بهره‌مند بهنیا- پردلی-
 پزشکپور- نونونجیان- توکلی- جندقی- سعید جواد-
 چلاجور- حیدری- دکتر رئیسی- رحیم زادم- رضوانی-
 ساری اصلانی- سعیدی- سید کلال- سیدی- شریعت-
 صائمه صدر- صفری پور- طباطبائی- فلاح مقدم- کاشفی
 لیوانی- ماهوزی- مافی- دکتر محمدی کوشکی- میرزالیو
 میرآشناری- محمدنوری- یزدی- ریاضی- نیره ابتهاج
 سیمعی- هما زاهدی.
- ۲- تقدیم سؤالات و تذکرات بوسیله آقایان: غلامرضا غضنفری لرستانی- حسین کاشفی- فضل الله کاسمی- پرویز فرهنگ بیگوند خسروی دارانی.

نامی از دولت موقت قانونی برده نشده. و این نامی است نو در تاریخ کهن ایران. منظور از کلمه موقت چیست؟ آیا حقیقتاً شما میخواهید دوسه ماهه تمام تنگناها تمام محرومیتها تمام اعتصابها را پایان دهید یا اینکه تحت این کلمه حکمتها نهفته است؟ که فردا پرده از روی آن بخواهد داشت.

ترکیب کابینه شما قابل بحث و تعمق است. از یک سو ژنرالها امرای محترم ارتش متأسفم که باید بعرض برسانم این تیمساران عزیز ممکن است در حرفه نظامیگری بی مانند وی نظیر باشند. مطمئناً در وطن پرستی و شهادت وستی آنها بعضی نیست. ممکن است در میادین رزم از مسلحشورترین افسران دنیا باشند ولی آیا یک ژنرال خوب میتواند وزیر خوبی شود؟ (نمایندگان - بله، مغایرتی ندارد) آنهم در این موقعیت از تاریخ زمان ما، آنها فرمان گرفتند و فرمان داده اند هردستوری را از مافوق اجرا کرده و به زیر دست درست یا غلط تحمیل نموده اند، وزیر امروز باید مردمی، باگذشت، عمیق، بردبار و در بحثها و گفتگوها هر جالازم باشد عدول نماید و جنبه حق و عقیقت را از دست ندهد چطور امیری بعد از ۳ سال، ۴ سال، ۵ سال که در محیط خشک نظامی پرورش یافته امروز قادر است دارای چنین خصائلی باشد مادیدیم که دهها نفر از افراد سویل را گرفتند و بازداشت کردند ولی وقتی نوبت به امیری رسید نتوانست آنقدر تحمل داشته باشد که روبروی باز پرس قرار گرفته و به سئوالاتی که شاید برای مملکت ضروری و لازم بود جواب دهد و بیایک گلوله زندگی خود را خاتمه داد. مطمئن باشید که اینان نمیتوانند در مقابل اینهمه سؤال و پرسش تحمل داشته باشند.

و اما در مورد بقیه اعضاء کابینه شما به استثنای یکی، دو نفر که تا حدی جدید الولاده هستند بقیه همانهایی هستند که تاکنون ملت ایران آنها را در چهره های مختلف، سنگرهای مختلف و یادولت های مختلف دیده است. اینها در حقیقت گربه های مرتضی علی هستند که همیشه با چهار دست و پا بر زمین می آیند ملت ایران آنها را نمی پذیرد چه اکثر آنها در کابینه آقای هویدا، آقای آموزگار، آقای شریف امامی شرکت داشته اند و می دانند که این لعبتها خود زمان فعلی نیستند چه اگر آنها درست بودند چرا با نادرستان همکاری کردند اگر آنها باک بودند چطور توانستند با ناپاگان در یک سنگر باشند، آنچه امروز در این مملکت بوقوع پیوسته نتیجه سهل انگاری و ندانم کاری همین آقایان متهمی در چهره افی دیگر بوده است و منتظر باشید که اگر فراهم کابینه ای از

هر گروه درست شود باز حضرات در آن تشریف خواهند داشت.

در برنامه خود صحبت از امنیت کرده اید آیا میدانید در همین چندروزه چه ناامنی هایی بوجود آورده اید؟ چه آشوبها و بلواها براه انداخته اید؟ کدام شهر ایران از دستبرد برنامه ریزان دولت شما دستهای مظنونی که این آشوبها را هدایت میکند مصون بوده است؟ شیراز - قوچان - مشهد - نیشابور - اگر امنیت را در این میدانید که وسائل ارتباط جمعی را سانسور کنید - اگر امنیت را در این میدانید که دانشگاهها - مدارس عالی و مدارس متوسطه را تعطیل نمائید، اگر امنیت را در این میدانید که از زمین و هوا بروی مردم رگبارهای گلوله را بکشائید اگر امنیت را در این میدانید که مردم شهرها را مقابل هم بسیج کنید شهری را مقابل روستائی و روستائی را بر علیه شهری برانگیزید با تأسف عمیق باید بگویم که اینها بی نظمی، آشوب، هرج و مرج، سلب آزادی و آزادیگي است که شما اسم آزادی بر آن می نهید. ۹ هزار دانشجوی تهرانی و میلیونها دانشجو و دانش آموزان این مملکت امروز در کوجهها و خیابانها سرگردانند. (صحیح است)

از آشفتنگی فکری و روحی نام برده اید، اینها برادران فرزندان، خواهران و عزیزان ما هستند که در بدترین وضع روحی و فکری به سز می برند. راه حل این نیست که درها را به روی جوانان، روشنفکران و امیدهای آینده ایران ببندید تاکی میتواند این وضع و این روش ادامه داشته باشد؟

سانسور روزنامه و کلیه وسایل ارتباط جمعی چرا؟ شما باید آنچنان فضای باز سیاسی را تقویت میکردید و حقایق را صادقانه در اختیار مردم میگذاشتید که آنها معناد به خبرگزاریهای خارجی بخصوص بی بی سی نباشند تا مطالبی راست و دروغ، تحریک آمیز و مخرب از آن بشنوند (صحیح است). باید آنچنان دستگاهی میداشتید که بتوانست به این یاهوگویان و مفسدین مملکت که باز هم هوای استعمار ایران را در سر می پروارند جوابد گوئی میکرد.

در شروع کار بزرگترین خط تاریخی خود را مرتکب شدید و نام همه آنها را امنیت عمومی قلمداد کردید در حالیکه یک دیکتاتوری بی نظیر از رئیس دولت نظامی است.

در خدمات چند روزه خود از رفع مایحتاج عمومی

نان - نفت و بنزین بحث کرده اید در کشوری که معتقدیم سیلوهایی بر آن کفاف ۳ سال گندم ایران را دارد و یا خود یکی از بزرگترین صادرکنندگان نفت و بنزین در دنیا می باشد حقیقتاً تأمین نان و نفت و بنزینش به یکشاهکار به یک معجزه بیشتر شبیه است.

تیمسار عزیز بگوئید برای رفع رکود و تورم - برای رفع گرفتاریهای مردم بازار - برای رفع موقعیت زنجور اقتصاد چه اندیشیده اید.

وقتی اعلام دولت موقت می شود فکر - سرنوشت و نتایج رقت انگیز این گرفتاریها را چه کسی باید بکند یا اینکه شما معتقدید در مدتی کوتاه قادر هستید گرفتاریهای مهمی چون: عدم صادرات داخلی - نبودن تولیدات داخلی - گرانی دست مزد - گرانی تولید کالا - هزینه بی رویه درآمد نفت را حل نمائید. با اقداماتی که در چند سال اخیر برای فلج کردن میهن عزیز با منتهای دقت و وزنگی تدارک دیده اند چطور دولت موقت شما میتواند موضوع بالا بودن حق بیمه تا ۳۰٪ دستمزد عدم حمایت از تولیدات داخلی - بالا بودن نرخ بهره در بانکها بیش از ۱۲٪ و در بازار آزاد بیش از ۳۰٪ - تزلزل در واردات و رقابت غلط برخی از واردکنندگان و بخصوص متغیر بودن نرخ ارز را آنطور که بتواند به این بازار آشفته رونقی بدهد تضمین و تأمین کند.

سرمایه های کلانی که با کمک دولت صرف آوارتمان سازی شده. ارزهای بی حدیکه به منظور بورس بازی - زمین و مستغلات به خارج کشور منتقل شده است - پولهایی که برای صنایع مونتاژ مصرف شده است - ثروتیکه صرف کاباره و کازینو داری - لوکس فروشی - بوتیک بازی شده است از همه مهتر ثروت عظیمی را که چهاولگران داخلی به یغما برده اند اینها همان ثروت، همان سرمایه ایست که میباید چرخهای اقتصادی و بازرگانی ایران را بچرخش درآورد برای برگشت آنها به خزانه دولت موقت خود چه فکر کرده اید در این زمان بقول خودتان موقت اینها مسائل لاینحلی خواهد بود که بار دولت آینده را سنگین تر خواهد کرد. از اعتصاباتی که شکسته شده است نام برده اید بگوئید با حره تطمیع یا تهدید چه باج دادن و قطع کردن اختلافات و شکافهای بین حقوق بگیران را بیشتر و نظام اجتماعی جامعه را متزلزل خواهد ساخت و در مورد تهدید با چه قیمتی؟ با ریختن خون چندها هزار نفر این موفقیت کسب شده است؟ اگر کارگران و زحمتکشان شریف خرمشهر و آغاچاری و یابعلمین شرافتمند آذربایجان و

خراسانی دست از اعتصاب کشیدند معتقدید آنها را راضی و قانع کرده اید. مطمئن باشید تا بخواسته های حق آنها در چهار چوب قانون اساسی رسیدگی نشود باید منتظر عکس العمل های شدیدتری باشید.

اگر میخواهید کلاسهای درس را باز کنید با معلمین شریف ایرانی آنچنان رفتار کنید که در خور آن هستند این اشاره معلم است که کلاس باز یا بسته میشود. این دست کارگر است که نفت را در لوله های آن جاری میکند با آنها آنطوریکه لایق آن هستند رفتار کنید و توصیه میکنم از هر نوع تطمیع و تهدید که ثمره آن اوضاعی وخیم تر از امروز خواهد بود بپرهیزید بحث مبارزه با فساد را با آب و تاب بیان کرده اید - گرفتن چند نفر در سطح کشور و یا اینکه اسم بردن از عده ای که قبلاً وسیله فرارشان از چنگال قانون فراهم شده است این مبارزه با فساد نیست این مبارزه با همدایتیهای عمیقی که بنه دولت شما شده است باید در کلیه سطوح اجتماعی بسط داده شود - جوجه فاسدین در کلیه استانها و شهرستانها تعلیم یافتند در مکاتب اساتید خود کماکان به چاپیدن بیت المال به اشاعه فساد در همه سطوح عجزولانه اقدام میکنند معتقدند تا هرچه بیشتر و هرچه زودتر جیب هارا از سرمایه ها و ثروت های ملی پر نموده راهی آنجا شوند که اربابان آنها رفتند.

در اذهان مردم شایع است که جماعتی را که بعلت فساد و دستبرد به اندوخته های ملی بازداشت شده اند فقط بمنظور حفاظت و حمایت نگاه داشته اند آیا شما نمیتوانید در مدت کوتاه قوانینی تازه برای مجازات آنها به مجلس تقدیم نمائید تا لااقل زحمتکشان ایرانی که سالها دراستمار این جماعت بوده شاهد مجازات آنها باشند. شنیدیم که در چند روز حکومت شما مجدداً زندانها از زندانیان سیاسی پر شده است و دستگاههای عریض و طویل امنیتی که بودجه قابل ملاحظه ای صرف آن میشود برای اینکه بظاهر خدمتی ارائه نمایند در آلوده کردن مردم به هر اسم و به هر ترتیبی خودداری نمیکند. با ذکر مراتب معروف شده و اینهمه آیا و اما باز هم شما معتقد هستید که دولت موقت شما گره گشای خواهد بود. شما در گذرگاه تاریخ هستید آنچنان کنید که وظیفه یک ایرانی وطن پرست، یک افسر شریف و یک مرد معتقد به اصول ملی و مذهبی میباشد آنچنان کند که تاریخ فردا که جز گنجینه سینه های خاموش این مردم سندی ندارد از شما به نیکی یاد کنند بیاید همان رئیس ستاد سابق باشید و هرچه زودتر این سنگر را به کابینه ای

که از حمایت مردم برخوردار بود و جنبه اتحاد ملی را داشته باشد بسیارید. متشکرم (احسنت).

رئیس - آقای دکتر چهارزی بفرمائید.

دکتر چهارزی - جناب آقای رئیس - جناب آقای نخست وزیر همکاران ارجمند. وزرا و معاونین عظام. مخبرین گرامی خواهی گفت: کدام روزنامه؟ مثلی است معروف هر کس خربزه بخورد باید پای لرزش هم بنشیند یا خربزه خوردن لرز دارد آن تند رویها - این تشویش ها و هرج و مرج ها ایجاب این کیفیت را هم میکنند.

قائم - تعطیل مطبوعات بهر شکلی محکوم است.

دکتر چهارزی - امیدوار هستم آقای دکتر سعادت مند که عمری در راه مطبوعات طی کرده اند با طر ح نظام مطبوعاتی کشور باین کیفیت که باعث عدم رضایت موافق و مخالف است خاتمه دهند موجباتی فراهم بکنند که مدیران جراید خودشان مسئولیت انتشار آنرا به عهده بگیرند. مانند نظام پزشکی نه اینکه هر روز دردسری برای دولت و ملت بیار بیاورند. بهرحال قبل از اینکه وارد موضوعاتی شوم که میخواستم بعرض برسانم همکاران ارجمند آقای دکتر رحمانی فرمایشاتی فرمودند که ناگزیرم مقدماً جواب آنرا بدهم. (چند نفر از نمایندگان - نماینده جواب نماینده را نمیتواند بدهد) آقای دکتر شمادر مرحله تلفیق سیاست و نظام

ضحت کردید شما طیب هستید مثل من عمری را در راه طبابت صرف کردیم. لازمه طبابت اینست که آنچه میشوند درست باشد و آنچه میگوئید درست باشد اما در سیاست چنین نیست چطور شما توانستید از آن لباس به این لباس درآیند؟ در ارتش ما افسران ارزنده بسیار هستند (احسنت) عمری با طاعت ما فوق گذرانده اند و همانطوریکه گفتید صرف کردند مگر من و شما دو سال اطاعت از ما فوق نکرده ایم مگر نظام وظیفه نرفتم مگر افسر خوبی نبودیم چرا؟ تاریخ شاهد افسران بسیاری است که در سیاست عرض اندام کردند و مللی را نجات دادند دو نمونه از آنها یکی ژنرال دوگل و دیگری آیزنهاور بود و بسیاری از ژنرالهای دیگری که آنها را می شناسید (آفرین) ،

عباس میرزائی - رضاشاه کبیر را بفرمائید.

دکتر چهارزی - بله رضاشاه کبیر - نادرکی بود؟

قهرمان جنگ و سیاست ناپلئون هم همینطور بود (احسنت) آقای دکتر گفتید شنیده اید که امروز تعدادی را کشته اند و اسفا اگر قضاوت شما روی شنیدن آنها باشد وای بحال آن ملتی که پیشوایان آن ملت مبنای عقیده و اعتقادات خودشان را بآنچه که می شنوند بگذارند. آقایان وظیفه

رهبران یک جامعه اینست که قبل از تحقیق و اطمینان به شایعات معتقد نشوند و اظهار ندارند که عواقب ناشایستی دارد. همین امروز صبح که می آمدم به مجلس روایات زیادی شنیدم، شنیدم که یک شهری را سوزاندند در یک شهری کشته اند دیگری میگفت تظاهراتی بر علیه دولت داده اند ولی من مشکوکم تا زمانیکه ندیده ام بتوانم قبول کنم و نمی توانم باور کنم.

یزدی - آقا تشریف ببرید در شهرستانها و از نزدیک واقعات را ببینید که چه خبر است.

دکتر چهارزی - منطقه من ... / ۳۰۰ نفر جمعیت

دارد در آنجا نه کشته ای بود و نه زخمی ... / ۳۰۰ نفر جمعیت حوزه انتخابیه من ... جمعیت مملکت است در حالیکه در آنجا خبری نبوده حتی در آن روزی هم که قرار بود در سراسر کشور معلمین و محصلین بخوابان ها بیایند میدانید چه کردند اولیای دانش آموزان بخوابان رفتند و دست بچه های شان را گرفتند و مدرسه ها بردند و گفتند آقایان جای شما در مدرسه است نه در کوچه و خیابان.

یزدی - جناب عالی در اروپا تشریف داشتید از کجا میدانید؟

دکتر چهارزی - شنیده ام.

یک نفر از نمایندگان - شما که گفتید به شنیده ها نباید

متکی بود!

دکتر چهارزی - اما راجع به سانسور که فرمودند.

دکتر طبیب - چه سانسوری، مطبوعات کلاً تعطیل

شده اند.

دکتر چهارزی - اول خداوند انسان را آفریده است

بعد جامعه بوجود آمده (یکی از نمایندگان - اول شیطان

را آفرید) بعد قوانین و مقررات، باید یک جامعه سالمی

باشد که بتوانیم در آن جامعه انتشاراتی داشته باشیم

سانسور باشد یا نباشد، مادر مرحله ای هستیم که باید در

حیات و ممت جامعه ای سالم بحث و اظهار نظر کنیم

بنابراین آقایان بخود بیائید عوامفریبی ها را کنار گذارید

بفکر ملک و ملت باشید (احسنت) فراموش کردید آنچه

بعد از جنگ بین الملل دوم به سرا آمد بعداً بطور مختصر

حضورتان عرض خواهم کرد که بر سر این ملت چه آمد.

تاریخچه میهن ما مجموعه ایست از فراز و نشیب ها فراز ما خواست شاهان و نشیب ما معلول: فساد دستگاه حکومت سوء استفاده درباریان غرور مقام سلطنت دسیسه بیگانگان اگر تا پیش از صفویه تاریخ مدون کاملی در دست نیست از زمان سلسله صفویه نوشته ها اعم از داخلی و خارجی است چنانچه میدانید شاه عباس بزرگ در اعتلای کشور ایران کوشش بسزا روا داشت بطوریکه قدرت، نفوذ، فرهنگ و هنر دربار شاه عباس و آبادانی کشور ایران مورد رشک و حسادت سلاطین و پیشوایان جهان شده بود و زمامداران کشورهای شرق و غرب برای جلب دوستی آن شهریار بزرگ از یکدیگر پیشی میگرفتند و بانواع وسائل متشیت میشدند اما در پایان سلطنت آن بزرگ شاه، عللی که عرض کردم دوران نشیبی فرا رسید تا آنجا که شش مرد افغانی پایتخت را تسخیر و از کشته پشته ساختند در آن دوره افغانستان که از ایالات ایران

میبود در این دوره نشیب، و وسها ایالات شمالی و عثمانها ایالت غربی ایرانرا تصاحب کردند.

با قیام نادر نابغه جنگ و سیاست، دور فراز مجددی فرا رسید ایالات شمال و غرب را پس گرفت افغانستان و بلوچستان تسلیم شدند. شورشیان را سرکوب مدعیان سلطنت را منکوب و پس از استقرار نظم و آرامش به کشور

گشائی پرداخت و با فتح هندوستان و ترکستان نفوذی خاص و ثروتی سرشار برای ملت ایران بارمغان آورد نادر شاه افشار که از دسیسه های دولت عثمانی خسته شده بود بر آن شد تا مگر اختلاف تشیع و تسنن را خاتمه دهد

بدینجهت در قریبتای مغان شورای اشراف و روحانیون و سران ایران پیشنهاد کرد که مذهب جعفری پنجمین شاخه تسنن شناخته شود. در مورد این تلفیق حضار متوجه

علی اکبر ملاباشی پیشوای مذهبی گردیده عقیده و نظر او را خواستار شدند ملاباشی چنین گفت:

والاحضرتادرباره آنچه که مربوط به مذهب است ما خود قانون خدا را میدانیم روایات حضرت محمد پیغمبر اکرم راهنمای ما است بنابر این کار والا حضرت نیست که در آن بدعت بیاورد من با کمال تواضع امیدوارم که

حضرت اشرف حکومت را با مذهب تلفیق نکنند زیرا چنین تدابیری عواقب خطرناک بدنبال خواهد داشت.

پس از نادر مجدداً دوران نشیب سر رسید مدعیان سلطنت بجان هم افتادند و کشور ایران صحنه کشت و کشتارهای بسیار گردید در این دوران ایالات شمال

بتصرف بیگانگان درآمد افغانستان جدا شد بخش مهمی از بلوچستان ضمیمه هند شد و عهدنامه های تنگین

گلستان و ترکمان چای به ملت ایران تحمیل گردید. اما با سلطنت ناصرالدین شاه و صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر دوران فرازی آغاز شد که طی آن حدود و ثغور مملکت تثبیت گشت ولی فساد درباریان و سیاست

استعماری روس و انگلیس و نفوذ مذهبی سید جمال - اسدآبادی افغانی امیر کبیر را بکشتن داد و مجدداً دوران نشیب خودنمایی کرد.

دوران نشیب بس طولانی که طی آن قوانین چهارگانه استعمار بر دولت و ملت ایران مسلط گشت.

مظهری - فرق نمیکند انگلیس و امریکا هر دو یکی است.

دکتر چهارزی - تضاد اتریک و دسیسه حکومت خان - خانی. هرج و مرج راهزنی و غارتگری سراسر کشور را فرا گرفت خوشبختانه رادمردی فرزانه دلیر و باشهامت شجاع و میهن پرست از این مرز و بوم رضاخان سردار سپه

قد علم کرد دوران فراز مجدد بدوران سیاه خاتمه داد ملوک الطوائفی را برانداخت کاپیتولاسیون را ملغی نمود اقدامات اصلاحی را آغاز کرد و مبنای یکدولت و ملت مستقل و سرافراز را در جامعه جهانی بنا نهاد روانش شاد

باز هم متأسفانه پیش آمد جنگ جهانی دوم و هجوم قوای بیگانه به میهن ما دوران نشیبی بس خطرناک بوجود آورد تاخت و تاز اجانب فقر و بیچارگی فتنه و فساد داخلی و خارجی - غائله خراسان و ترکمن ها - اشغال آذربایجان

قیام کردها تصرف کامل شط العرب بوسیله عراق وداعیه آن دولت نسبت بخوزستان - دستبندی و حزب سازی بوسیله ایادی بیگانگان شیرازه مملکت را چنان از هم پاشید که بیم تجزیه کشور کهنسال و اضمحلال ملک و ملت میرفت.

پزشکپور - بلوچها و کردها همیشه به ایران وفادار بودند و خود را جزو لاینفک ایران میدانند.

دکتر چهارزی - در این اوضاع و احوال مصیبت بار و رقت انگیز سه نفر ایرانی پالک نژاد، میهن پرست وفداکار کشتی آسیب دیده میهن را به ساحل نجات رساندند محمد رضا پهلوی شاه ایران - قوام السلطنه و دکتر مصدق که

هریک بنوبه خود در حفظ و حراست این مرز و بوم این ملک و ملت تا پای جان ایستادگی کردند.

دکتر طبیب - دکتر مصدق در مسیر خواست های ملت و قهرمان ملی بود.

دکتر چهارزی - فراموش نکرده اید که شاهنشاه بمناسبت دسیسه خود مختاری آذربایجان فرموده بودند

ترجیح میدهم دستم بریده شود تا به خود مختاری آذربایجان صحنه گذارم.

چه بیانی - چه عبارتی سرشار از مهر ملت ومیهن .

قوام السلطنه باتدبیر و فطانت وزیر کی خاص خود قراردادى با اشغالگران منعقد نمود و کسر مصدق باونوی خودروی امتیاز نفت شمال وموکل شدن قرارداد خروج قوای بیگانه خطر تجزیه آذربایجان وامتیاز نفت وتوقعات دیگر اشغالگران را منتفی ساختند.

میخواهم از هر یک از این سه رادمرد بزرگوار قهرمان ملی خاطره‌ای عرضه بدارم مه‌رمه سال ۱۳۲۵ سید ابوالحسن اصفهانی پیشوای بزرگ شیعیان جهان ابن عم اینجانب برحمت ایزدی پیوست جلسات ختم درسراسر ایران وعراق در مساجد وتکیه‌ها برگزار میشد از طرف شاهنشاه هیئتی متشکل از چهار مجتهد و چهار نفر از تجار طراز اول و اینجانب باطیاره مخصوص شاه به نجف اشرف رفته ومدت یک هفته در مراسم سوگواری شرکت نمودیم این نمونه‌ای از توجهات خاص شاهنشاه به شعایر اسلامی ومذهبی‌اند ناگفته نماند که در مجالس سوگواری آن مرحوم اولین واکنش روحانیون ووعاظ در برابر نفوذ اخلاک‌گران آغاز شد خدا رحمتش کناد در زمان حیات وجه درسمات خدمات گرانبهایی به عالم تشیع وایران نمود اما خاطره‌ای از دکتر

مصدق در تیرماه ۱۳۳۲ بیمارستان چهارمى بوسیله اخلاک‌گران اشغال شد مبارزه شدید بود (اعرابی) و برای رهایی از شر آنها بهر دری متوسل شدم توفیقی نیافتم چه مقامات مسئول میگفتند کاری از ما ساخته نیست به رؤسای حزب مراجعه

کردم جواب دادند ما تصمیم ملی کردن کلیه مؤسسات را داریم . در آن هنگام آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر بود بمناسبت انتخابات مجلس شورای ملی سالهای پیش که ایشان در تهران اول شده بودند تریکی نوشته بودم در جواب پس از ابراز لطف و ابراز تأسف از وضع اجتماعی نوشته بودند اگر اوضاع بدین منوال بگذرد عما قریب باید در بیمارستان شما بستری کردم

بایشان نوشتم که بیمارستان مورد نظر جنابعالی بوسیله اخلاک‌گران اشغال شده است تکلیف چیست روز بعد یک سرتیپ، یک سرهنگ و یک سروان از اداری ارتش به بیمارستان آمدند وپس از سه ساعت گفتگو با سردسته کارگران بمن گفتند ما کاری نمیتوانیم بکنیم با آنها سازش کنه‌داری چنین بود وضع آشفته و ناسامان آن روزها (صحیح است) اگر رستاخیز ۲۸ مرداد نبود بنده افتخار حضور در جلسه شما را نمیداشتم.

رستاخیز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بان هرج و مرج ها، فتنه و فسادها خاتمه داد اما متأسفانه خزانه خالی، ملت فقیر و

دولت مقروض بود در آن زمان بود که اعلیحضرت فرموده بودند سلطنت برملتی فقیر و بی‌سامان افتخاری ندارد واز آن پس معظم له پیوسته اعتلای دولت وملت ایرانرا وجهه همت خود قرار داده ودر استیفای حقوق ملت ایران از نفع

فداکاری بیش از انتظار نمودند با تصاحب نفت خودمان وقرار داد جدید با کنسرسیوم وشرکتهای دیگر نفتی سیل پول برای دولت و ملت ایران سرازیر گشت وبا انقلاب ششم بهمین ۱۳۴۱ شالوده یک کشور روتوسعه و رشد اجتماعی واقتصادی طرح ریزی شد ودر پرتو آن مردم هم با اعتقاد به رهبری شاهنشاه در پیمودن راه ترقی وتکامل از هیچ کوششی فروگذار نکردند افتخارات باستانی- غرور ملی حیثیت بین‌المللی تجدید شد آثار استعمار زدوده گشت و موجبات سرفرازی ایران وایرانی

در سراسر اگیتی فراهم گردید نظریه پیشوایان ملل جهان درباره ایران و شاهنشاه مجموعه نظری

خانمها، آقایان ماه گذشته در پاریس بودم سی تلویزیون رنگی پاریس روحانی بزرگواری را نشان میداد که زیر درخت سیب زوی تشکجه‌ای نشسته وبه متکائی

تکیه کرده بود در توضیحاتی که مفسر تلویزیون پاریس میداد اظهار داشت این ملای بزرگوار خواستار تغییر رژیم ایران و برقراری حکومت اسلامی در ایران میباشد شب بعد قارقارک لندن این شیپور استعمار شرح کشفی درباره فساد دستگاه حکومت ایران ظلم و جور فرمانروایان و ناراضی ملت ایران را توأم با اعلامیه‌های انقلابی تحریک‌آمیز مشوق اعتصاب مقاومت- شورش و هرج و مرج ومطالبی بعنوان خواسته‌های حضرت آیت‌الله خمینی پخش میکرد من در شگفتی ماندم چگونه این شیپور استعمار برای ملت ایران دلسوزی میکند خدا یازین معما پرده بردار .

یک‌نفر از نمایندگان - آقای دکتر بهتر است راجع به

تخصیص خودتان صحبت بفرمائید.

دکتر چهارمى - آقایان- خانمها آیا میدانید که عهدنامه‌های تنگین گلستان وترکمان جای را دستگاه استعماری روس وانگلیس بما تحمیل کردند تیدانید افغانستان جزو ایران بود وعباس میرزای ناکام که آن ایالت را محاصره کرد ناوگان استعماری بوشهر را به توپ بست وتهدید به پیاده کردن سرباز بخاک ایران نمود بخش مهمی از بلوچستان مارا که تضاحب نمود وحقوق حقه ملت ایران را از شطالعرب پایمال پینمود چه شده که اکنون شیپور آن دستگاه بر سر ملت ایران وبر علیه دولت

ایران فعالیت ودلسوزی میکند واقعه اسفانگیز سقاخانه نوروزخان را شنیده‌اید دسیسه همان دستگاه بود که فرستاده دولت امریکا برای قرارداد نفت بوسیله مشتی مردم جاهل وغافل این پایتخت تکه تکه شد ودخالت دولت امریکا در آن زمان منتفی گردید.

امادرباره تغییر رژیم شاهنشاهی ایران چه رؤیای واهی وجه خیال خامی تصور نمیرود که واقعاً چنین فکری خواست یک مجتهد عالی مقام تشیع ایران باشد اگر کسی فارغ از اطلاعات تاریخی وبنیادهای اجتماعی باشد ممکن است دستخوش چنین خیالی نشود مگر نمیدانید که حمله اسکندر، فتوحات عرب، سلطه چنگیز وتیمور نتوانست تغییری در رژیم شاهنشاهی ایران دهد وجه بسیار از آنها که با افتخار لباس شاهی‌مارا به تن کردند.

آری در تاریخ کهنسال ایران فقط یکنفر میتوانست رژیم شاهی ایران را تغییر دهد آنهم دکتر مصدق بود اما آن راد مرد ملی ومیهن پرست اقدامی نکرد چه تغییر رژیم خواست بیگانگان بود ومقدمه تجزیه ایران میهن کهنسال ما که مجموعه‌ایست از اقوام مختلف با زبانهای محلی وفرهنگ های متفاوت که شیرازه وحدت

وهم‌آهنگی آنها همانا رژیم شاهنشاهی است وبس. آری ترکمن‌های گرگان، سکنه مازندران، گیلکهای گیلان، ترک‌زبانان آذربایجان، اکراد کردستان الوار لرستان عربی‌زبانان خوزستان- اهالی مبارز بندر خلیج فارس- ایلات بلوچ، اهالی فارس، کرمان، اصفهان، عراق عجم وتهران پس از خدا ویغمبر وائمه اطهار شاه راملجاء و پناه خود دانسته ومیدانند اینست سر عظمت ودوام شاهنشاهی ایران.

اما حکومت اسلامی نمیدانم منظور چیست؟ چون توضیحاتی داده نشده اصلاح دین مقسسی است برای رستگاری نوع بشر دین ومذهب راهی است برای بتندگان بسوی خدا نباید آنرا باسیاست آلوده کرد.

پزشکپور - درست صحبت بفرمائید چرا پرت وپلا می‌گویند؟

دکتر چهارمى - چه سیاست تابع اصل تنازع بقاء و منافع روزمره است، گذشته از این در ایران ۱۴ فرقه مذهبی داریم حکومت کدام فرقه منظور است- برخی حکومت قرآن رامطرح کرده‌اند گویا نمیدانند که برنامه دولت سعودی حکومت قرآن است اما ما پیروان مذهب جعفری علاوه برقرآن پیروان علی وائمه اطهار میباشیم تصور نمیکنم ایرانی اصیل هیچوقت از اصول تشیع شاخه پیشرو

پدذهب اسلام روگردان شود.

یکنفر از نمایندگان - شما در اطراف دین بهتر است صحبت بفرمائید.

دکتر چهارمى - علاوه براین حضار محترم مگر در حکومت اسلامی نبود که جدمهرا حضرت حسین (ع) راسر بریدند خاندان پیغمبر وآل علی راسوار برناقه‌ها در کوچه و بازار گرداندند به آن مناسبت هرسال درماه محرم نوحه سرانی میکنیم چه خوست جواب علی اکبر ملاپاشی رابه نادر- شاه افشار تذکر دهم مذهب رابا سیاست تلفیق بکنند چه عواقب خطرناکی بدنبال خواهد داشت.

پزشکپور - آقای رئیس- کردها وبلوچها همه ایرانی هستند ایشان در بیانشان رعایت نکردند ومن بعنوان اعتراض بمطالب ایشان جلسه راترک میکنم.

دکتر چهارمى - بقرامعلوم به حضرت آیه‌الله العظمی از طرف دستگاه حکومتی دره ۱۰ سال اخیر ظلم زیاد شده است به پیروان ایشان ظلم و جور شده است ولی خانمها و آقایان در آمدت و در آن سالها، به کی ظلم شده است؟ باستانی فرقه و طبقه‌ای بخصوص از نورچشمها و مقربان حکومت، به بیشتر افراد ملت ظلم شده است بهمین هم ظلم شده است ظلمهای بسیار چند نمونه از آنرا برای استحضار خاطر شما عرضه میدارم.

خواهر زاده من که برای تحصیل وخدمت باین آب و خاک باروفا رفته بود ۸ سال زندانی شد و در پرتو انقلاب مقدس وهشیار دهنده هم میهنان، ماه گذشته آزاد گردید.

در انتخابات کنگره آزاد زنان و آزاد مردان اصفهان بودم جوانی بملاقات من آمد گفت من از طرف کنگره به سمت نمایندگی شهرستان لنجان در مجلس شورای ملی انتخاب شده‌ام گفتم از من چه میخواهید؟ گفت کمک. گفتم شهرستان لنجان بوسیله شورای ریش سفیدان اداره میشود (در آن زمان انجمنهای شهر وشهرستان نبود) نامه‌ای بنویسید اونامه نوشت که موجود است شورا تشکیل شد نامه‌ها راخواندم میدانید چه گفتند؟ ریش سفیدان باتفاق گفتند مانوکر شما هستیم هرچه بفرمائید اطاعت میشود ما کنگره‌ای نمی‌شناسیم.

رئیس سازمان امنیت خواستار دیدارم شد باداره اورقم استعفا نامه های عده‌ای کاندیداهای مجلس شورای ملی را بمن نشان داد وگفت شما هم استعفای خودتان را بنویسید گفتم من کاندیداهستم گفت بجانیها بشما میخواهند رأی بدهند گفتم باینهماراجعه کنید. استناداز کراراً مرا خواستار شد و کمیسیون امنیت برای من تشکیل داد تا آنجا که ژاندارمری بخش نامه کرد که در لنجان اگر دکتر چهارمى دیده شد

تحت الحفظ تحویل گردد.

آقایان این ظلم نیست.

پس از انتخابات رستاخیز به سبب مراجعه مردم متوجه شدم که در آنجا بین فرماندار و سرکار استوار ژاندارمری و رئیس دادگاه و پزشک قانونی و رئیس آموزش و پرورش، مافیائی تشکیل شده بود اگر در خاتمه صحبتم وقت باشد در کم و کیف این موضوع صحبت خواهم کرد پس از اینکه حلقه های مافیائی بعد از دیگری منتفی شد مردم راحت شدند سیمان کیسه ای ۷۰۰ ریال به ۱۰۰ ریال و کرایه از ۱۸۰۰ تومان به ۲۷ هزار تومان تقلیل یافت آیا این ظلم ب مردم لنجان نبود؟

سرکار استوار که عضو اطلاعات و ضد اطلاعات بود پیغام داد آشی برای دکتر پخته ام که تا هفت پشت او اثر خواهد داشت.

درست بود در همان ایام آقای دکتر شادمان وزیر مشاور و معاون پارلمانی آقای هویدا بین گفت اطلاعاتی ای بر علیه شما رسیده است گفتم درجه موضوع گفت دخالت در امور انتظامی. گفتم میتوانم کاغذ رایه بپیم؟ گفت آری با تفاق رقیتم در نخست وزیری ولی تغییر عقیده داد و گفت آن نامه نیست. شرحی به آقای هویدا نخست وزیر نوشتم که این قبیل دسیسه ها و اتریک ها شایسته دوران رستاخیز نیست و تقاضای تعقیب موضوع را دارم ولی جوابی داده نشد بمقامات امنیتی مراجعه کردم جوابی نشدیم از من خواستند از موضوع صرف نظر کنم ولی جواب دادم بهتر است تعقیب شود اما هیچکدام بدرخواست من جوابی ندادند. آیا این ظلم نیست؟

میدانید در لنجان کارخانه ذوب آهن آریامهر داریم با مقادیری از کارگر، قانون کار و بیمه داریم ولی متأسفانه بخشی از کارگران از بیمه و وسایل رفاهی استفاده نمیکنند درباره حقوق و دستمزد هم تبعیض بوده است یک نور چشمی با حقوق گزافی استخدام میشود در حالیکه کارگری با سابقه چندین سال مزد کافی بدست نمی آورد آیا این ظلم نیست؟

مادر لنجان ۲۶ پارچه آبادی داریم راه ندارند برق ندارند آب مشروب ندارند پزشک و دارو ندارند آنوقت میلیونها تومان در بیابان طیس و اتویان صرف گل کاری میشود. آیا این ظلم نیست؟

در لنجان صنایع نظامی داریم خیلی خوشوقت هستیم از آن موضوع ولی ۴۲ مزرعه و زمین را از شمال پیش تصاحب کرده اند بدون اینکه تکلیفی برای کشاورزان معلوم کنند به تیسار کانوئیان که اشرفی دارند مراجعه نمودم نامه بوزیر جنگ نوشتم میدانید چه جواب

دادند: طبق فلان ماده اراضی تصاحب شد. طبق فلان ماده قسمت آن برداخت میشود چندی بعد اظهار داشتند که بودجه خرید اراضی رسیده است مردم بیاید بگیرد گفتم کجا؟ گفتند خیابان سوم اسفند گفتم عجا! روستائی چگونه بهران بیاید کجا برود چقدر خرج کند؟ آیا بهتر نیست پول آنها را بمحل بفرستید؟ چندی بعد گفتند سازمان زمین باید طبق قانون پول رعایا را بپردازد آقایان سازمان زمین سند مالکیت میخواهد ۷ درصد اراضی لنجان سند مالکیت ندارند تکلیف چیست آیا این ظلم نیست؟

خانمها، آقایان در این شهر، ۴۰ هزار جمعیت دارد اما بیمارستان نداریم ما ما نداریم. شهرداری نداریم.

پزشک کشیک نداریم آیا این ظلم نیست؟

۲۷ سال خدمت کردم در دانشگاه انستیتوی اعصاب و روان بوجود آوردم که جناب آقای دکتر مفیدی عضو شورای آن بودند در ریاست دانشگاهی دکتر عالیخانی که دانشگاه را بان روز انداخت دکتر مژدهی رئیس دانشکده پزشکی بود دکتر نصیرپور آمد و خواستار شد که تقاضای بازنشستگی کنم گفتم چرا؟ گفت دستور است گفتم بدستور دهنده مراجعه کنید شب بعد حکم بازنشستگی من بمنزل آورده شد و انستیتوی اعصاب و روان هم منحل شد از جناب آقای دکتر مفیدی خواهش میکنم احیای ایتر را مورد توجه قرار دهند. آقایان آیا این ظلم نیست؟

آیا مسئول کیست؟ آیا شاه است؟ تصور نمیکنم از آنچه به سرم و ۳۰ هزار نفر از اهالی لنجان رفته است شاهنشاه کوچکترین اطلاعی داشته باشند.

آنچه مسلم است فرماندهان ارتش با صداقت رفتار نموده اند و بدانجهت ارتش در خور تحسین داریم اما بقیه این مقامات اگر حقایق و واقعیات را گفته بودند اگر حب جاه و مقام و ثروت آنها را سر مست نکرده بود اگر هزاران وعده های بیجا نمیدادند اگر موجبات دلسردی

مردم و اغفال شاه را فراهم نکرده بودند هرگز چنین روزهای تاریکی فرا نمیرسید اینها مسئول بوده و هستند جناب آقای نخست وزیر تعقیب آن مقامات مسئول مورد درخواست است جناب آقای نخست وزیر شما وارث وضع بسیار آشفته مین عزیز میباشید وارث فساد دستگاه حکومت های سابق، سوء استفاده در باربان از ۱ سال پیش، ظلم و شکنجه و تهدید و ارباب و پرورنده سازی و زندانی نمودن صبر و شکیبائی بسی از هم بیتهان به پایان رسیده چند ماهی است که تظاهرات - هرج و مرج - شورش و بلوا - شکستن و خراب کردن سوزاندن ضرب و جرح و قتل از

طرف افراد عصبانی صحنه بسیاری از شهرها را فرا گرفته است تا آنجا که به برقراری حکومت نظامی منجر شده

است بنده به لاین انقلاب هشیار دهنده احترام میگذارم و بهمین جهت به حکومت نظامی رأی ندادم مردم چه میخواهند

عدالت اجتماعی مبارزه با فساد تعقیب چپا و لگران و غارتگران ثروت ملی نقض مقررات ظالمانه جلوگیری از تبعیض - برقراری -

ضوابط بجای روابط تعقیب و محاکمه افرادیکه سالهای سال با حکومت خود، شاه و ملت را اغفال نموده اند. مردم

میخواهند آن افرادی که بر اینکه قدرت سالهای سال تکیه زدند و حکومت کردند و دم از عظمت و بزرگی

دروغین بزدند ثروت ملی را به تاراج بردند بیای میز محاکمه دعوت شوند - مردم میخواهند بدانند با داشتن سفارتخانه

های عریض و طویل در کشورهای خارج چرا فرزندان دلبند آنها که برای کسب علم و دانش رهسپار اروپا

و آمریکا میشوند بدام کفند راسیون میافتند جناب آقای نخست وزیر من با دولت شما موافق هستم چه دولت شما

دولت امید ملی است دولت امید شاه است دولت امید علاقه مندان باین آب و خاک میباشد بشرط آنکه

در عدالت سخی و در مبارزه با فساد بیجنگ باشد جناب عالی مسؤلیت بزرگ و تاریخی بعهده گرفته اید ترمیم خرابی ها

جبران زیانها ارشاد و جلب اعتماد مردم بدستگاه دولتی شما مرد مبرز و مبارز هستید اگر خدای ناخواسته بخواهید

مثل دولتهای گذشته رفتار کنید در تعقیب و دادرسی خاطیان و سوء استفاده کنندگان، محافظه کاری بخرچ دهید

اگر در مبارزه با فساد خللی رخ دهد اگر حقوق عمومی مقدم بر حقوق خصوصی منظور نشود با وضع اسفناکی

روبرو خواهیم شد که سالهای سال جبران آن میسر نخواهد گشت بهرحال توفیق دولت جناب عالی را در خدمت ملت وشاه از خداوند متعال مسئلت دارم. ضمناً

آقای طرفی یادداشتی فرستاده اند که قرائت میکنم جناب آقای دکتر چهارزی عده زیادی از جمعیت

خوزستان عرب زبان هستند که همه به ایرانی بودن خودشان افتخار می کنند و به رژیم شاهنشاهی ایران معتقدند و در اینراه از بدل جان دریغ ندارند زیرا تاکنون در اینراه کشته هم دادند. در خاتمه عرایض پیشنهادهایی

دارم که قرائت میکنم

پیشنهادات

۱- سه مقام در رژیم شاهنشاهی ایران مقدس است مقام سلطنت، مقام نیابت سلطنت، مقام ولایتعهد با صدور اعلامیه موضع حقوقی بقیه افراد خاندان سلطنت و وابستگان و امتیازات آنها معلوم گردد.

۲- بنیادهای اختصاصی که برای فرار از مالیات یا جلب منفعت تأسیس شده منحل گردد و کلیه بنیادها مشمول مقررات مالیاتی و گمرکی گردند.

۳- در هر شهری بر حسب جمعیت یک تا چند میدان برای تظاهرات تخصیص داده شود در آن میدانها تظاهرات از آزادی کامل برخوردار خواهد بود. انتظامات در آن میدانها بعهده گارد تظاهرات خواهد بود.

۴- نظام مطبوعاتی کشور با شرکت مدیران جراید تدوین شود و اجرا گردد.

۵- قراردادهای خریدهای مشکوک مورد بررسی قرار گیرد تا اگر سوء استفاده ای شده باشد مسئولین تحت پیگرد قرار گیرند. (احسن)

رئیس - نمایندگان محترم گرچه فکرمی کنم موضوع بعدی روشن باشد که احتیاج به توضیحی دیگر نداشته

باشد ولی خواستم عرض کنم که منظور آقای دکتر چهارزی که عنوان فرمودند راجع به گروهائی که در

مملکت هستند، مقصودشان گروهها و احزاب و قشرهائی که در سطح مملکت هستند و به لجه های مختلف صحبت

می کنند ولی البته ایرانی هستند، میباشد. شکی نیست که همه مردم این سرزمین ایرانیان اصیل هستند. آقای دکتر

شیروانی بفرمائید.

دکتر داریوش شیروانی - ساحت مقدس مجلس شورای ملی در این لحظات حساس و تاریخی، تمامی مینهن پرستان واقعی معتقدند:

انقلاب مردم ایران انقلابی است اصیل که راه آن نباید جز در جهت کسب و دفاع از آزادی، عدالت و رفاه مردم مینهن ما باشد.

اگر در جلسه گذشته حضور نداشتم، بعلم آنستکه معتقدم دولت موقت نظامی راه حل مشکلات و معضلاتی

که جامعه ما اکنون با آن دست بگریبانست نمی تواند باشد و روشی را که اتخاذ نموده است باروش دولتهای سابق و اسبق تفاوتی نداشته و ملت آنرا محکوم می نماید.

زیرا گرفتاری جامعه ایرانی مسئله است اجتماعی و سیاسی که راه حل آن می تواند فقط یک راه حل سیاسی و اجتماعی باشد. اکنون در برابر جامعه قرار داریم که مردان مسئول آن که سالیان دراز زیرکانه با فکارتاری که در خفا داشتند و هرگز آشکار نمی کردند کار راجعاً رساندند که جبهه گیری در برابر مذهب و روحانیت بوجود آمد که این بزرگترین خیانت باین مملکت بود و از طرفی دستهای مظنون و عده ای که هرگز نمی خواهند قبول کنند که ایرانی مسائل را درک نمیکنند رشد فکری و سیاسی دارد و بخوبی بقضوت می نشیند آرزو داشتند که ایران راه آشوب و هرج و مرج بکشاند و از جریانات و حرکات اصیل سیاسی این ملت حداکثر بهره برداری مخرب و سرنوشت ساز برای میهن و ملت ما را بنمایند (صحیح است)

آنها سعی می نمایند که بتوانند از این جنبش ها و نهضت های ملی سیاسی ایران چنان بهره ای نصیبشان بشود که بتوانند در آخر موجی عظیم و وحشتناک بوجود آورند. تاتیشیه بریسه این مملکت بزنند. حساب ملت ایران را باید از آنها جدا نمود و نباید ننگ خرابکاری و هرج و مرج طلبی به ملتی داد که آزادی و آزادگی - شرافت و مردانگی حفظ حقوق فردی و اجتماعی و صیانت از قانون اساسی را سرلوحه انقلاب اصیل خود قرار داده و بخاطر آن قربانی داده است. در چند هفته قبل از پشت این تریبون بنام ملت هشدار دادم که اتحادی نامقدس بوجود آمده است - اتحادی بین چپاولگران و غارتگران بیت المال ملت و کسانی که سالهاست به مردم زجر و شکنجه روا داشته اند با دست پروردگان خود که سالیان دراز در خدمتشان بوده اند، یعنی کسانی که رنگ عوض کرده اند ب مردم دروغ گفته اند و تقوای سیاسی هرگز نداشته و ندارند. از پشت این تریبون هشدار دادم این اتحاد نامقدس را کسانی بوجود آورده اند که ایران و مردم ایران برایشان مطرح نیست. آنها موقعیت خود را در خطر می بینند - آنها منزله اند و در نتیجه در هر شرایطی محکوم به نیستی می باشند - و آخرین تلاش خود را برای نابودی میهن ما و ملت ما می نمایند.

هشدار دادم که میخواهند از دست عدالت مردم بگریزند و این مرزوبوم را که مابدان عشق میورزم و ریشه های خود را در دل خاک آن تنیده ایم به لب سهمگین ترین پرتگاه بکشانده میخواهند ما را نابود کنند و از این موقعیت غیر از این دشمنان بظاهر دوست که در همه جا حضور دارند درین ماهمه جا هستند در دولتها در بالاترین مقامات مصدر کارند دشمنان ایران خطرناکترین

و برای بدترین بهره گیری را خواهند کرد. و هرگز مردم ایران نخواهند دانست که چه کسانی و چه گروهی دستهای به انقلاب و قیام ملی اصیل ایرانی که مبارزه بی امان با فساد مبارزه بی امان با تبعیض مبارزه با هرگونه افکار شوم تجزیه طلبی و مبارزه برای اجرای تفکیک ناپذیر قانون اساسی و حفظ و صیانت آنست خیانت نموده اند.

مردم ایران قیام کردند بخاطر بقای ایران با حفظ شعائر مذهبی با حفظ مظاهر ملیت و قومیت که بایکدیگر بستگی کامل دارند. این مردان مسئول این مملکت اند که باید در این زمان حساس و تاریخی تحمل بیشتری داشته باشند - به مردم خشونت نشان ندهند تهدید نکنند - درک - ناراضیهای آنها را بنمایند.

ملت رنج دیده است ملت زجر کشیده است - ننگ خرابکاری و هرج و مرج طلبی را نباید به ملت ایران نسبت داد.

مسبب اصلی راجه در گذشته دور وجه در این یکی دو ماه اخیر باید ب مردم معرفی و به اشد مجازات رساند باید شخصیت سرکوب شده مردم را به آنها بازگرداند و حرمت آزادی و آزادگی را حفظ نمود و هرگونه تاریخ هرگز کسانی را که این روزها نقش کوچک یا بزرگی در این راه ایفا می کنند دزخ جبهه ای که قرار دارند و باید اختلاف سلیقه ای که با هم دارند نخواهد بخشید و نسل فعلی و نسلهای آینده ایران - باید اطمینان داشته باشیم که به قضاوت صحیح خواهد پرداخت و آن کسانی که فقط و فقط بخاطر عشق بدین مرزوبوم و این مملکت انجام وظیفه کرده اند و یا سخن گفته اند مسلماً در برابر تاریخ لااقل روسپید خواهند شد.

سخنان شاهنشاه در روز پانزدهم آبانماه سند رسوائی کسانی است که از اعتماد و اطمینان ایشان برخوردار بوده اند و در حقیقت بزرگترین سوءاستفاده را نموده و بایران و ایرانی خیانت محض کرده اند. ملت میخواهد احساس کند که پیروز شده است در برابر چنین خیانتکارانی این پیروزی را باید به ملت روا داشت و در این راه باید با ملت همگام بود.

باید عوامل فساد را به دادگستری تحویل داد - به مجازات سریع رساند باید از شرف و ناموس و جان و مال مردم حفظ و صیانت کرد.

هر ایرانی که در خون خود می غلطد هر میهن پرستی عزادار و ماتم زده و غمگین میگردد - جان هر ایرانی مقدس است. باید از هرگونه خونریزی جلوگیری نمود.

انقلاب ایران را با راهی مسالمت آمیز باید به پیروزی رساند. بنام ملت هرگونه هرج و مرج طلبی و هرگونه خونریزی را محکوم میکنم. هرگونه تشویق مردم را به خرابی و آتش سوزی محکوم میکنم.

راه حل سیاسی و اجتماعی مشکلات جامعه ایرانی را از طریق اتحاد بین تمامی گروههای سیاسی با هر اختلاف سلیقه ای که دارند برای آرمان نهائی - آزادی - عدالت و رفاه با حفظ و صیانت از قانون اساسی و تمامی مفاد آن با تشکیل یک حکومت ائتلاف ملی و تحولات وحدت ملی میدانم که کناره ها به ثمر رساند آن آرمانهای اصیل مردم ایران است. بادرک موقعیت حساس کنونی مملکت با درک مسئولیت و از خود گذشتگی - مردان سیاسی ایران باید بدون غرض و رزی در کنار هم قرار گیرند و برای ایران - تنها برای ایران بیندیشند.

دموکراسی مردان مسئول دموکرات میخواهد که خود نمونه ای از آن باشند.

سریع ترین - صحیح ترین راه نیل به دموکراسی و حکومت مردم ب مردم و استقرار حاکمیت ملی و نظام قانونی فقط و فقط در سایه تحقق یافتن قانون اساسی ایران است تا بتوان از انقلاب مردم بخاطر کسب و دفاع از آزادی عدالت و رفاه اجتماعی بخاطر دفاع از حقوق صنفی سیاسی و اقتصادی مردم ایران بهره گرفت.

این مبارزه باید برای احیاء گسترش جنبش و نهضت های اصیل ایرانیان بوده با الهام از فرهنگ ملی و با الهام از دین مبین اسلام و قرآن مجید و برای مبارزه با هر نوع استعمار و استثمار با راه و روش منطبق با زمان باشد. این مبارزه باید مدافع کشاورزان - کارگران - اصناف زحمتکش - روشنفکران - حقوق بگیران و طبقات کم درآمد و بازگانان شرافتمند باشد.

این مبارزه ایست با هرگونه استعمار و استثمار خارجی و داخلی و بیکار با هیئت های حاکمه فاسد و دفاع از استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور، و از نظر اجتماعی، دفاع از آزادیهای فردی و اجتماعی، دفاع از حقوق مادی و معنوی، تأمین عدالت و رفاه مردم بر اساس و درک ارزشهای فردی و اجتماعی.

باید جامعه ای مترقی بی ریزی کرد که در آن همه مردم و بویژه طبقات زحمتکش و کم درآمد با خود شناسی احساس مسئولیت و اطمینان به آینده در آن مشارکت داشته باشند.

از نظر آموزشی باید مبارزه ای پیگیر نمود برای ساختن نظامی، معیشتی که در آن استعداد همه افراد ملت

بخصوص طبقه کم درآمد شکفته و شخصیتها محفوظ و نبوغها جلوه گرشوند. از این انقلاب باید بهره گرفت تا از نظر اخلاقی و مذهبی با الهام از تعالیم دین مبین اسلام و قرآن مجید با کلیه قدرتهای کاذب جامعه که به سلاح دروغ و چاپلوسی و ریا و دو شخصیتی مجهزند مبارزه ای پیگیر نمود.

از نظر اقتصادی باید برای از بین بردن فاصله طبقاتی تورم، بیکاری و اقتصاد مصرفی کاذب مبارزه کرد. این بیکاری است بر ضد هرگونه تغییر و دستبرد در وضع جغرافیائی انسانی کشور و در عمل بی ریزی جامعه است با احیاء و بهره گیری از کشاورزی از طریق مکانیزه شدن کامل آن، و صنعتی کردن مملکت نه از طریق مونتاژ بلکه صنعتی که با استفاده از منابع طبیعی ما بدست ایرانی بوجود آید و توسعه یابد، و حفظ و گسترش صنایع ملی، و دستی.

این مبارزه بخاطر از بین بردن هرگونه آلودگی فرهنگی است ضمن مبارزه با تورم، بخاطر صرفه جوئی و پرهیز از تجمل پرستی است بر خورداری از بهداشت و درمان حق مسلم هر ایرانی است چه در روستا و چه در شهر با نفوذ الیزم بهداشتی و درمانی همانند نفوذ الیزم آموزشی باید مبارزه نمود تا زمانی که هر ایرانی از حد مطلوب هر دو بتواند استفاده نماید.

تمامی آنچه که ذکر شد تنها از طریق انتخابات آزاد مردم و در این زمان حساس از تاریخ ایران فقط توسط یک دولت وحدت ملی شاید امکان پذیر باشد. آنهم با سعی در حفظ اصالت انقلاب مردم ایران و اعتقاد به آن و صیانت از قانون اساسی ایران و هر حرکتی که در این راه باز دارنده باشد نمی تواند مورد قبول ملت باشد.

امنیت و آرامش نباید با از دست رفتن آزادی و آزادگی برقرار شود چنانچه آزادی نیز باید بخاطر ترقی و اعتلاء کشور و حفظ حاکمیت و استقلال و تمامیت ارضی میهن ما باشد.

و بخاطر همین هاست که رأی من بدولت موقت نظامی کیود است.

مسئول این روزهای ناگوار و اسفناک برای مملکت ما افراد فاسد دزوغو که وعده و وعید دادند می باشند دیگر ملت باوری ندارد فقط و فقط با عمل می توان آنهم خیلی سریع و قابل لمس شاید باوری بوجود آورد. هنوز دستهای مظنون را می توان دید که سعی می کنند تمامی حملات و مطالب را فقط به یک سو توجه نمایند.

وطن ما در خطر است، شهرها ناآرام، اقتصاد متزلزل، مردم بی اعتماد، مطبوعات و زبانها خاموش، فلم‌ها زحمت بازمایه‌اند - مدارس تعطیل‌اند - دانشگاه‌ها تعطیل‌اند من بعنوان یک دانشگاهی رنج می‌برم فرزندان میهن ما این جوانان نیروی لایزال و سازنده آینده ایران سرگردانند و در هیجان و عصیان، زیرا تشنه آزادی و عدالت‌اند، آیا این خواسته‌ایست نامشروع؟

تا سانسور بمطبوعات حکمفرماست، تا زندانیان سیاسی در زندان هستند، تا زمانی که خواسته‌های اصولی مردم برآورده نشود مردم آرام نخواهند گرفت.

بالاخره اضطراب بر مردم این مملکت حاکم است. از خدای بزرگ مسئلت دارم آرزوی میهن پرستان را برآورده کند تا اتحاد و اتفاق نظر بین مراجع عالیقدر و والای روحانیت، گروه‌های سیاسی ملی این مملکت هرچه زودتر برقرار گردد تا با حفظ وصیانت قانون اساسی ایران ما پاینده و پایدار بماند.

وضع مملکت بحرانی و حاد است باید عمل کرد سخن را کوتاه کنیم
رئیس - آقای سیفی بفرمائید.

سیفی - جناب رئیس، همکاران محترم امروز که برنامه دولت جناب ارتشید از هاری اینجا مورد طرح است بغیعه من با اینکه موادم خیلی کوتاه است ولی جامع است امیدوارم با انجام این برنامه که خواست ملت ایران است بتواند بهدنی که دارد که همان هدف ملت ایران است با موفقیت کامل برسد من فکرمی کردم این تحریکات و این هرج و مرجی که در مملکت ما در این زمان بوجود آمد از کجا ناشی شده و یک مقدار برای من غیر قابل توجیه بود. اینجا مخالفین خیلی زیادی صحبت کردند و تمام این مخالفتها مربوط به فساد بود که در دولت آقای هویدا انجام شده بود و اما باین علت برای من غیر قابل توجیه بود که چرا در این مدت ۳ سال خبری از این تحریکات و مخالفتها نبود تا زمانی که ایشان از صدارت عزل شدند و فساد داشت قطع می‌شد و مملکت رویه سازندگی میرفت نغمه‌های مخالفت بلند شد چرا؟ من نتوانستم خودم را قانع کنم و این نغمه‌ها مصادف شد با تمام قرارداد نفث و تجدید مذاکرات، یک مسئله‌ای که ملت ایران با آن آشنائی کامل دارد، بچه‌های معصوم این مملکت و تحریک کردند و به خیابانها ریختند، عده‌ای از آنها را به کشتن دادند و فکر نکردند که این بزرگترین خیانت به استقلال مملکت است. همین بچه‌ها هستند که آینده این مملکت را بایستی بی‌ریزی کنند (صحیح است) مگر میشود که شما بچه‌های بیگناه، معصوم، پاک وزیر

۱۵ سال این مملکت را تحریک کنید و به خیابانها بریزید، فکرتان را مسموم کنید و توقع داشته باشید. ۲ سال دیگر بیایند از تمامیت ارضی و استقلال این مملکت دفاع کنند تو روح میهن پرستی را در آنها کشتی! این چه خیانتی بود وجه خیانتی بالاتر از این می‌تواند باشد آقایان، خانها بچه دلیل دزدی بچه زیر ۲ سال و در بعضی ممالک زیر ۱۸ سال، حق شرکت در انتخابات را ندارند دلیلش این است که تا آن سن باید به تحصیلاتش بپردازد و بعد از سن ۲۰ سال می‌تواند با اجتماع وارد شود.

آصف - ۱۸ سال.

سیفی - و آنوقت است که می‌تواند مسائل را تجزیه و تحلیل کند ولی شما دیدید. و درصد این بچه‌هایی که به تظاهرات پرداختند زیر ۱۸ سال بودند چرا؟ فلسفه‌اش روشن است برای اینکه افراد از ۱۰ ساله به بالای این مملکت بتاریخ کشورشان آشنائی دارند در خوزستان کلمه صاحب درگوش مردان سالخورده خوزستانی محو نشده است هنوز فراموش نشده است که یک تکمیسین خارجی بالگدیه شکم مهندس ایرانی میزد و کسی نمی‌توانست حرف بزند هنوز ملت ایران فراموش نکرده که ارتش

شاهنشاهی ایران بوسیله ارتش بیگانه اجازه پیدا نکرد که از تانکستان عبور کند و برود نظم آذربایجان را برقرار کند. یکی از دوستان اصفهانی مامی گفت: بچه‌ای دارم ۴ ساله که در دانشگاه درس می‌خواند شیبا با او بحث می‌کنم که بابا این مملکت این ملت و این سرزمین که نسال شاهنشاهی ایران است. گفت شما گفته‌اند که از ۱۰ سال به بالا با کسی تماس نگیریم! چرا؟ برای اینکه جوانهای این مملکت هفت‌شان پاک است و روزهای بد این مملکت را ندیده‌اند و حالا که می‌بینند با لطف و عنایت خداوند نقشه بیگانگان نقش بر آب شده ولی هنوز در ایران نغمه‌های تجزیه از رادیوهای بیگانه و آنهایی که دشمنان دیرین این مملکت و ملت هستند و قرن‌ها آن رادیوها را اداره می‌کنند و قرن‌ها استعمار و استثمار کرده‌اند و نقشه استعمار ملت‌ها را دارند (صحیح است) زندگی آسیایی، زندگی آفریقایی در این دنیای پهناور همیشه در شکم اینها بوده و با پول اینها آنها تمدن شدند و اینها با نغمه‌های تجزیه آن زمانی که ایران این قدرت لایزال ارتش شاهنشاهی ایران را نداشت نتوانستند

آذربایجان را از پیکر ایران جدا کنند ولی پیشه‌وری با کپک بیگانه آذربایجان را تسخیر کرد رئیس‌الوزراء وقت شرفیاب شد و درخواست کرد که سیاست دنیای وقت ایجاب میکند که ما به اینها خود مختاری بدهیم

شاهنشاه حافظ منافع این ملت و استقلال این مملکت چه گفت؟ گفت دست‌ها را زیر ساطور می‌گذارم و قطع می‌کنم و خود مختاری آذربایجان را امضاء نمی‌کنم (احسنت) چه کسی میتواند این را تخطئه و فراموش کند و همان شب یک بعد از نصف شب به سپهد رزم آراء فرمان حرکت قشون را به آذربایجان صادر کرد. ملت آذربایجان وقتی این را شنید خودش قیام کرد (صحیح است) من شاهد عینی هستم. قبل از ورود ارتش شاهنشاهی آذربایجان را از بیگانگان پاک کرد پس ملت ایران هیچوقت نمی‌تواند حاضر به تجزیه خاک مملکتش باشد. اما شاهد چیز دیگری هم بودیم. عده‌ای تصور کردند که آذربایجان

و هم جنوب تجزیه می‌شود این طرف پیشه‌وری حاکم است. آن طرف هم شاید ما حاکم باشیم سلامتی پیشه‌وری جشن و سرور تشکیل دادند منتهی خیانت آنها کمتر از پیشه‌وری نبود ولی با کمال تأسف و اوستگی‌های سیبی و نسبی در این مملکت یک عده را از خیانت مصون داشته و نگذاشته که تابع عدالت باشد. این وابستگی هادولت را به اینجا رسانده که این مملکت را به این روز انداخت که امیدوارم این دولت این وابستگی‌ها را با الهام از فرمایشات شاهنشاه دره آبان برای همیشه از این مملکت دور کند. خائن بداند که اگر خیانت به ملت کرد قابل اغماض نیست خادم هم باید بداند که اگر خدمت کرد شاه و ملت همیشه او را نکمیدارد. رادیو بی‌بی‌سی لندن مرتب یاوه‌گویی میکند کدام یک از مردم ایران به خودش اجازه میدهد به بی‌بی‌سی گوش بدهد. بی‌بی‌سی دشمن این مملکت است. آنها همیشه این ملت را استثمار کرده‌اند فکر میکنند به نفع مملکت حرف می‌زنند حالا که می‌بینند مردم مملکت که عصبانی شده‌اند دارند آرامش پیدا می‌کنند آقایان چرا تمام تیرها بسوی یک هدف نشانه گرفته شده یعنی شاه مملکت!

طغیانی - خدا لعنتشان کند.

سیفی - اجازه میدهم من فلسفه‌اش را عرض کنم این تیرهای بیگانه بوسیله عوامل دست‌نشانده که فقط بطرف شاه ما نشانه می‌روند برای اینکه او ضامن استقلال و تمامیت ارضی این مملکت است (صحیح است) به این دلیل است (احسنت) چرا در تمام این تحریکات ماندیم که به رئیس‌الوزراء خیانت کنند و یا به وزیر خیانت کنند. چون آنها چیز دیگری می‌خواستند. آنها هیچگاه نمی‌خواستند فساد از مملکت ما ریشه کن شود. ولی بیگانه است که میخواهد به یک ملتی تسلط پیدا کند.

می‌خواهد زیر لوای آشفتگی بریک ملتی تسلط پیدا کند پس آنها نمی‌خواستند موافق ازین رفتن فساد بشوند بلکه عواملشان را تقویت می‌کنند اما من سیفی که اینجا ایستاده‌ام و شما به آن رئیس‌الوزراء بارها تذکر داده‌ام و من و شما معتقد هستیم که او یک مقدار فساد را رواج داد و ما مبارزه کردیم و نشانه‌اش این دو کتاب است (به کتابهایی که در دست داشتند اشاره کردند) دو دور هم اسم مرا از وکالت قلم زد ولی مملکت ارزشش بالاتر از جان من است. بخوانید این دو کتاب را ببینید چه شخصیتی بر این ملت رهبری می‌کند. بدانید قدرش را دعا می‌کنیم که همیشه خداوند پایدارش بدارد.

(انشاء الله، احسنت) یکی از آن کتابها صورت جلسیات شورای عالی اقتصاد در پیشگاه شاهنشاه آریامهر است و دیگری مجموعه‌ای از اسناد تاریخ معاصر ایران از شهریورماه ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷. بخوانید ببینید به وزرای خودخواه چه دستوراتی فرمودند، چندجا اخطار فرمودند که اگر نمیتوانید کار کنید بروید توی خانه‌تان بنشینید. بگذارید فکر دیگری برای مملکت کنیم. کسانی که قدرت کار دارند ببینند کار کنند. آقایان ما باید برای استقلال کشورمان یار

پادشاهمان باشیم (احسنت). باینکه نام مرا از لیست وکالت زدند من رفتم گزارش نوشتم به پیشگاهش بوسیله جناب دکتر اقبال، خداوند رحمتش کند. گفتم در این مملکت چنین چیزی می‌گذرد. خواندند اسناد مرا دیدند. چهارشنبه می‌خواستم بروم نوشهر شرفیاب بشوم گفتند امضاء کن امضاء کردم. مرا تهدیدها کردند که زیر کامیونم میکنند گفتم باشد اگر در راه حق می‌روم خدا حفظ می‌کند. این گزارش را به پیشگاه شاهنشاه آریامهر دادم پس هر فردی از ملت این مملکت اگر حقیقتی را میداند است میبایست بشرف عرض می‌رساند. این به نتیجه می‌رسد و دستور می‌گرفت گزارش را دادند به بازرسی شاهنشاهی.

یک سرلشکر با یک سرهنگ آمدند با آن قراردادی که بعنوان قرار داد نان با آن مخالفت کرده بودم در دوره ۲۱ که ۴۰۰ میلیون تومان طبق گزارش مرحوم یزدان پناه که در آن اختلاس شده است زیر نظر یکی از معاونین هویدا نخست وزیر وقت (نمایندگان اسم ببرید) پرونده‌اش در دیوان کیفر موجود است (یک نفر از نمایندگان - جوادی) من وکیل شده‌ام ولی عمل من او را از دولت بیرون کرد. فردی که وزارت تولیدات فقط برای ایجاد شده بود شخص شاهنشاه وقتی هویدا او را برده بود نزد ایشان روی این فرد قلم قرمز کشیده بودند پس میشود

بافساد عملاً مبارزه کرد. ولی یک مقدار از خودش باید مایه بگذارد برای عرض شاهد میآورم، سال ۱۳۳۱ آقای دکتر مصدق رئیس الوزراء بود بایک دانشجوی سال ۴ پزشکی درحلی کاری کردیم من بازرسی بودم ایشان هم کشیک شب بود بحث می کردیم بحث سیاسی توده این بود برادرش هم اینجا وکیل بود اهل مازندران بود سؤال کردم گفتم بنظر مرام شما حکومت جبهه ملی چه جوری است؟ گفت اینها بورژوا هستند.

دکتر مشیر - ولی آنها توده ای نبودند.
سیفی - گفتم عجب! کمونیست که درصدا بر نامه اش مبارزه با بورژواست شما که کمونیست هستید چطور با این حکومت بورژوازی موافقت میکنید؟ ما با هم صمیمی بودیم حرفهایش را میزد گفت بمادستور داده اند حزب توده معتقد است که ریشه کلمه شاه درخون ملت ایران است، حزب توده قدرت عزل سلطنت را ندارد بمادستور صادر شده با جبهه ملی همکاری کنیم و گفته اند که اگر قادر شدیم سلطنت را منقرض کنیم در عرض ۴ ساعت جبهه ملی را از بین میبریم این ادعای آنها بود اما میهن پرستان نمی گذاشتند بعضی ها می گویند چرا مردم را در مقابل هم قرار میدهند، چه کسی مردم را مقابل هم قرار میدهد دولت آمد رادیو تلویزیون را باز کرد خودنمایشها شروع شد، بعضی از کسانی که خیلی تعجب میکنند سالهای سال باهمان حکومت فساد در صدر بودند اینجا نغمه مخالفت را سر کردند (احسن).

منصور صادقی - لعنت بر عوام فریبان!

سیفی - در صورتیکه بعقیده من یک کار بایستی می کردند می آمدند اینجا در پیشگاه مجلس شورای ملی نسبت به اعمال خودشان استغفار می کردند این بزرگترین گذشت بود اما خدمتی که سلسله پهلوی به این مملکت انجام داده اند شما همه میدانید بعضی هایمان جوان هستید میتوانید بخوانید و ببینید قبل از پهلوی این مملکت چه داشت و تا سال ۳۲ چه بود مگر شما یادتان رفته یادداشتهای ضائب رادر روزنامه اطلاعات بخوانید ضائب گفته وقتیکه ناجی این مملکت سردار بزرگ رضا شاه کبیر را بیگانگان بردند در یک کشور دوردست استعماری خودشان زندانی کردند و سلطنت فرزندش را هم یک مدتی قبول نکردند ملت ایران اتومبیل شاه جوانش را روی دوش گرفت مگر اینها فراموش شدنی است چه جوری می خواهید خودتان را قانع کنید استعمار کثیفی که قرنهای ملت را استثمار کرده حالا شما نفت را بفروشید جاده های آسفالتی داشته باشید اتومبیل خوب سوار شوید

برای حفظ این چیزها نباید خواهید چون آنها ناراحت هستند ازدهان آنها درآوردید چطور میتوانند از دست شما درآورند، با ایجاد آشوب و بلوا در مملکت امنیت را بهم میریزند تلویزیون نشان میدهند کشتند و بردند، بابایاوش برو با هم برویم پست دیروز شما چه بود، درجه جهتی بودی، بزرگترین خیانت این است که دروغ تحویل ملت میدهم، بیائید به نسل جوان این مملکت حقیقت را بگوئید، فرد فرد ملت ایران برای بقای ملت ایران جانش را میدهنی اگر ایرانی نباشد توهم نخواهی بود یا کمک کن و آنها را ارشاد کن، جوان این مملکت تاریخ را از کجا میدانند از دبیر باید یاد بگیرد از استاد دانشگاه باید یاد بگیرد بگوید ای جوان تو که باید آینده این مملکت را اداره کنی و تا نخست وزیری هم میرسی بدان که گذشته این مملکت این بوده است نه اینکه بروند و آنها را تحریک کنند و دانشگاه را تعطیل کنند کسانی که دانشگاه را تعطیل میکنند آنها نمی هستند که خواسته های بیگانگان را جامه عمل می پوشانند، چرا می خواهند ایران هرسال مهندس و طبیب تربیت نکنند، دلیل دارد برای اینکه هرچه ما از این قشر طبیب و مهندس بیرون بدهیم از وجود خارجی ها بی نیاز می شویم ما نباید بمقصد آنها کمک بکنیم (قاسم زاده - به رادیوی بی سی) اصلاً اسمش را هم نیاورید که مستفوم (خنه نمایندگان) بعقیده من که صراحت لجه دارم، و شهادتی خدا بمن داده است که طبق این مملکت به نشان خدا شاهد است که نزدیک دو ساله مگر می کردند من و باارگتهام، مخالفت می نمودیم و بیرون می زدیم و بیرون می رفتیم چون بشاهم و توسط عشق می زدیم و می فهمیم که این امینتی که هست در وجود این مملکت، بعقیده من خون های بیگانه ای که در خیابانها برای مملکت ریخته شد خون بهایش برگردن محرکین است و بیس آنچه که من از دولت تیمسار ارتشید از هاری می خواهم این است که آزادی آن چنان چیزی است که معنی و مفهومش در کلمه اش نهفته است این خواسته ملت ایران است اما نه آثار شستی و سوء استفاده آنهاست که اینکار را کردند و با آزادی ملت ایران مخالف بودند، علمای عالیقدر ما کی دستور دادند مال مردم را آتش بزنند، مگر اسلام یک چنین چیزی دارد، اسلام اجازه نمیدهد که یک سوزن به تن کسی فروبرود تمام دستورات اسلام حکمت است و همه اش که نماز و روزه نیست، نماز و روزه برای پیدا کردن معرفت زندگی

در اجتماع است چه کسانی اینکار را کردند، کسانی که خواستند نهضت ملت ایران را تغییر بدهند و تصور کردند به مقصودشان میرسند اما دو هزار و پانصد سال نرسیدند منتها یک مقدار غیر مستقیم می بردند، آخر دلیل مخالفت اجنبی با ما چی هست، بابا اگر این دولت و پادشاه ایران با خواسته های آنها موافقت کند ما هیچ گرفتاری دیگر نخواهیم داشت، پس این گرفتاری این است که با خواسته های ناشروع آنها مخالفت می شود پس ما هستیم که باید در جهت این خواسته های ناشروع بکوشیم و با حمایت و با یاری دولتماند و با توجه و عنایت پادشاهمان نگذاریم اجنبی اینجا بیاید، آقا در سال ۱۳۴۸ دولت روسیه شوروی ما را دعوت کرد و درخواست کرده بودند که هیأت کارگری بیاید و با آنها مذاکره کند، گروه اول که ما بودیم چهار نفر رقیتم، ماضن بازید، ازلینگر ادهم بازید کردیم ما را بردند سر قبرستان سربازانی که ۳/۵ سال در محاصره آلمانی ها بودند در لنینگراد، در آن قبرستان دیدیم قبری هست که عرض و طولش زیاد است گفتند پس از شکستن محاصره لنینگراد ۳۵ هزار نفر کشتند و مادر عرض یک ماه آنها را دفن کردیم، من از لحاظ ملی ناراحت شدم یک نطقی کردم و گفتم شما و تمام ملت روسیه که روی این خاک و این سرزمین راه میروید بدیون این سربازان و مردمی هستید که با خون خودشان و با شرافت خودشان اینجا خفته و استقلال مملکتش را حفظ کرده، پس میهن پرستی همین است، میهن آن چیزی است که در راهش بایستی فدا بشویم تا از خون میهن پرستان، دیگری بوجود آید، آنجا خواستم بگویم که هر کس بملتش خدمت کند عزیز است پس نباید رفت دنبال مردمی که آنها را با پول می شود بخرید، پس چون من رعایت می کنم وقت جلسه را و دوستان دیگر هم می خواهند صحبت بفرمایند بنابراین تشکر میکنم و من آخرین کلام را اینجا عرض می کنم و از دولت جناب عالی استدعا میکنم آنهاست که می گویند شما چه می کنید مثل معروفی است که می گویند قصاص قبل از جنایت نباید بشود، من امیدوارم که شما صد درصد موفق بشوید، بدلیل روشنی ملت ایران و با تحریکاتی که در پشت پرده است آقا یک محرک نشان بدهید که زخمی شده باشد، بابا اگر حقیقت است و تو می خواهی شهید بشوی یا جلو چرا اموال مردم را آتش میزنی، چرا بچه های بیگانه مردم را جلو میفرستید، بکجا می خواهید برسید؟ نوکر نوکر است نوکر شرق، نوکر غرب، نوکر

کسی است که نوکر ملت باشد (احسن) جناب نخست وزیر من از جنابعالی استدعا میکنم همانطور که شاهنشاه آریامهر فرمودند از جناب وزیر دادگستری میخواهم بخصوص فاسدین را هرچه زودتر به اشد مجازات تنبیه نمایند در هر مقام که باشند نه هر که پشت میز دولتی بنشیند قربان اینهاست که در بازار آزاد هستند پدر مردم را درآورده اند و من از آنها می ترسم، از مطبوعات می ترسم که شایسته نبود کیهان و اطلاعات را ۵۰ درصد ببرند بالا و از رزاق ۳۰ درصد برود بالا، جاوید شاهنشاه پاینده ایران، (احسن - احسن)

رئیس - آقای مظهري بفرمائيد.

مظهري - بسم الله الرحمن الرحيم - رب اشرح لي صدری و يسر لي امري واحلل عقدت من لساني يفتحو اقولی به حصن حصين وحدانيت حق پناه می برم و از درگاهش استمداد می جویم که یاریم کند تا زبان نگشایم مگر در طریق حق و حقیقت و بخاطر اعتلای سرزمینی که هستیم بدان پیوسته است و همیشه و در هر حرکتی این مصراع شعر دلنشین را زمزمه میکنم که: جو ایران نباشد تن من بیاد.

و بخاطر همین سرزمین است که اینک در ساحت مقدس مجلس شورای ملی ایستاده ام تا خوبش خویشتن را فراموش کنم و از زبان دل سخن بگویم که در این آشفته بازار سیاست تنها با استظهار به لطف خداوندی و به امید عنایت و حمایت مولای علی علیه السلام است که میتوان بمصدق: النجاة فی الصدق، صادق بود و حقیقت را اگر چه بنظر دیگران تلخ و ناگوار آید صادقانه گفت و نهزاسید که خدای بزرگ فرموده است:

يجاهدون فی سبيل الله ولا یخافون لومة لائم

جناب آقای رئیس، همکاران محترم، آنچه اینک در دستور کار مجلس قرار دارد بحث پیرامون برنامه تیسار ارتشید از هاری است که بعنوان دولت موقت نظامی معرفی شده است. دولتی که بگفته خودشان بنام یک دولت مستعجل چهره نموده و رئیس آن به امید تشکیل دولت آینده بی برنامه مانده و بظواهر برنامه ای در چند سطر آنهم برکنار از اصول برنامه ریزی وضع کرده است.

من و دوستانم هرچه در قانون اساسی کشورمان جستجو کردیم نتوانستیم موضع و موقعی برای دولت موقت نظامی بیابیم تا با قبول این عنوانی به بحث در برنامه آن و چند و چون و چگونه بپردازیم بخصوص که این دولت بهنگامی شکل گرفت و آغاز بکار کرد که در اوج مبارزات اصیل و گسترده ملت ما علیه ظلم، فساد، خود-

کامگی و نابسامانی واقعی ناگهانی رخ داد و تهران در ایامی که زیر سلطه حکومت نظامی بود و نیروی نظامی حاکم بر شهر بود از چهار سو به آتش کشیده شد و دولت سابق در میان شعله هایش به کنار رفت.

آنچه یکشنبه ۱۴ آبان در شهر تهران رخ داد براساسی وحشتناک، تأثر انگیز و ملال آور بود و یک بررسی اجمالی با نگاهی گذرا به چند صحنه آزان وقایع نشان دهنده این واقعیت تلخ بود که دستی مظنون با طرح و نقشه ای شیطانی صحنه ساز آن ماجراها بود و برای من بعنوان یک ایرانی مسلمان جای تردید نیست که این دست مظنون از آستین دشمنان ملت ایران بیرون آمد (صحیح است) دشمنانی که بارها از آنها یاد کرده ام و اگر همکاران محترم بخاطر داشته باشند بهنگام بحث در برنامه دولت سابق عنوان کردم که چه گروههایی با استقرار دموکراسی در ایران مخالفند و این دست را بخوبی میشد دید که از آستین همان گروهها بیرون آمد و وظیفه خویش را انجام داد و چه بسا که اثنالی ناسیون هم میان دشمنان آزادی ملت ما و استقرار حکومت قانون در مملکت ما بوجود آمده بود. (صحیح است) و مسلماً خود کامگان قدرت طلب و چپاولگران و دزدان یغماگرو و بالاخره دشمنان استقلال ایران که متأسفانه در همه صفوف رخنه کرده و یادداشتن پشتوانه زورور بخصوص در شاغل حساس دستگاههای اجرائی بوده و هنوز هم پنهان و آشکارا وجود دارند در ایجاد آن صحنه ها نقش اساسی و مؤثر بعهده داشتند، بویژه آنکه دیدیم مأموران حفظ نظم و آرامش و نیروهای حکومت نظامی در آن ساعات و انفسا رخ نمودند و در گوشه و کنار تماشاگر آتش و دود بودند که بهر تقدیر سرمایه مملکت را به نابودی میکشاند و سرنوشت حکومت را تعیین می کرد و به سرعت به سوی نظام قدرت نمایی و دیکتاتوری می رفت، این دولت موقت نظامی با چنین عنوانی و در چنان ایامی زمام امور مملکت را بدست گرفت و اینک پس از دو هفته برنامه چند سطر آن در مجلس شورای ملی مطرح است.

کار این دولت با یبامی استثنائی از سوی شاهنشاه خطاب به ملت ایران آغاز شد، یبامی که مؤید اصالت مبارزات ملت ما علیه فساد و تباهی و ظلم و تجاوز و خود کامگی و قانون شکنی و بالاخره دیکتاتوری بود و با تأیید خطاها و غفلت ها و اشتباهات و خود کامگی ها و بالاخره فساد بی نهایت و بی توجهی مردمی ترتیبی را و بخصوص تجاوز به حقوق حقه مردم و آزادی و دموکراسی آنها تحت عنوان ایجاد امنیت، راه گشاورا هنامی دولت جدید در طریق

تازه ای بود که امید میرفت به استقرار حکومت قانون و تصمیم همه آزادبهای منصرح در قانون اساسی و مبارزه واقعی وی امان با فساد و فاسدان در هر مقام و موقعی باشند بیانجامد، یعنی آنچه که دولت آشتی ملی به صورت برنامه ای خوش آب و رنگ تدوین کرد و عرضه نمود در عمل خلاف آنرا انجام داد و هنوز از راه نرسیده در اولین روزهای حکومت خود از کشته پشته ساخت و جمع معسایه تهران را که طلیعه حکومت نظامی بود به ارمغان آورد و با یکشنبه تیره و تاریک به کنار رفت.

تیمسار ارتشید از هاری جناب عالی هم در اولین ساعات حکومتتان بعنوان رئیس دولت، بالحنی گرم و گویا با ملت ایران سخن گفتید و در کسوت سپاهیگری بیانی آرامتزاز غیر نظامیان داشتید ولی از شما پرسش می کنم که در عمل دولت شما چه کرد؟ آیا بجز از طریق اعمال قدرت و زور با تعطیل کردن رکن چهارم مشروطیت و سانسور خبرهای مملکت در رادیو و تلویزیون توانستید به گفته خبرخوانان تلویزیون، نسبتاً آرامشی در تهران و شهرستانها بوجود بیاورید؟

به اعتقاد همه صاحب نظران، امنیتی که به قدرت سرنیزه تحقق پیدا کند و موجب از بین رفتن آزادی و دموکراسی باشد امنیت نیست و باید بعنوان دیکتاتوری آزان یاد کرد همانطور که آزادی هم اگر مبتنی بر نظم قانونی نباشد به هرج و مرج و بی بندوباری و سلب آزادی دیگرانی می انجامد و نکته ظریف و حساس همین جاست که متأسفانه دشمنان ملت ما هرگز نخواسته اند و نگذاشته اند که ایران در طریق یک دموکراسی اصیل ملی متکی به حکومت قانون پیش برود و همیشه از فرصتهایی که برای تعمیم آزادی و استقرار دموکراسی بدست آمده دشمنان ملت ما با صحنه سازی و مداخلات ناروای خود هرج و مرج ساخته اند و در دل هرج و مرج بنام حفظ نظم و ایجاد امنیت دیکتاتوری و خود کامگی بوجود آمده است. مگر نه این است که همه آنها که به ایران عشق می ورزند و به ایران فکرمی کنند و در آرزوی استقرار دموکراسی اصیل ملی در این سرزمین هستند متفق القولند که راه حل مشکلات کنونی ایران دولت نظامی و اعمال قدرت نیست؟ من اطمینان دارم که خود شما هم با ما هم عقیده هستید زیرا مشکلات ایران یک جنبش ضد ملی و خدای ناکرده هدایت شده از سوی اجنبی و به قصد نابود کردن استقلال و ملیت ایران نیست (چند نفر از نمایندگان - هست، هست) و وجود معدودی فریب خورده یا بیگانه پرست نباید و نمیتواند بهانه فرار گیرد و اصالت انقلاب ملت ایران را که عصیان مردمی ستم دیده و زجر کشیده و طغیان آنها

علیه فساد و ظلم و تباهی و غارتگری و دیکتاتوری به اتکاء دولت نظامی دچار تردید کرد؟

آیا پدر و مادر، یا خواهر و برادر داغ دیده ای که عزیزانشان دچار توطئه دشمنان ملت شده و زیر شکنجه های غیر انسانی که گوشه هائی از آن فاش شد و همه از خواندن و شنیدنش خون گریستیم اگر ناله های شبانگه ایشان طی سالها اینک به فریاد مبدل شده است باید پاسخ این فریادهای از دل برآمده دلسوختگان را با سرنیزه و اذامه همان اعمال بگونه ای دیگر داد یا باید با آزاد کردن همه زندانیان سیاسی و رسوا کردن و به دار کشیدن کسانی که با مردم و عزیزان ما کردند آنچه را که قلم از تحریر و زبان از بیان آن عاجز است مرحمی بر زخم دل آنها بگذاریم و به دلداری و تسلیتشان بپردازیم؟

آیا ستمدیدگانی را که از کثرت تبعیض و نابرابری جانشان بلب آمده و طی سالها حکومت رابطه ها را لمس کرده و زیر سلطه افراد نالایق و نادرست و بی اطلاع و خودخواه تحقیر شده و شاید حیف و میل پول و وقت و امکانات مملکت بوده اند و اینک با پیدا شدن فرصت فریاد بر داشته اند باید با نهیب سپاهیگری با اصطلاح سرچایشان نشانند و به زور خاموششان کرد تا آتش گسترده تری زیر خاکستر برای انفجار شدیدتر بعدی فراهم شود یا با برطرف کردن آثار ظلم و تجاوز و تبعیض و با استقرار نظام ضابطه و لیاقت و دادن حق به حق دار و بیرون ریختن قیود و مقرراتی که نفس آنها را سالها گرفته بود باید با آرامش و امید به آینده راضیشان کرد و به همکاری از نیروی اعتماد و اعتقاد آنها بهره گرفت؟

آیا ملتی که سالها بصورت پیچ و پلج و درگوشی از فساد و تباهی جستجوگر و گریخته مطالبی می شنید و آثار چپاولگری و غارت را به صورت ریخت و پاشهای شبانه نوکیسه ها و برپا کردن کاخها و آسمان خراشهای تازه بدوران رسیده ها و برخ کشیدن ثروت باد آورده دزدان بیت المال و متجاوزان به حقوق ملت می دید و لمس می کرد اینک که چشم باز کرده و دریافته است که هستی او را چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی با انواع حیلها و با ائتلاف دزدان اداری و غیر اداری یکجا به یغما برده اند اگر عصیان کرد باید با فریادهای دوزخ و کوروشو به او فرمان خاموشی داد و از او خواست که توقع تعقیب فاسدان و دزدان و چپاولگران را نداشته باشد و بفکر اعتصاب و اعتراض هم نیفتد و حداکثر به بازداشت تنی چند با اصطلاح از بلند پایگان اکتفاء کند و راضی باشد یا بهتر است با تشکیل فوری دادگاههای ملی همه

دزدان و خیانتکاران را مجازات کرد؟

دکتر فروزین - در برنامه این دولت هم مبارزه با فساد هست.

مظهری - آیا سخنان وزیر دادگستری دولت شما با همه تأکیدی که در مورد تشکیل دادگاههای فوق العاده شد میتواند جوابگوی عصیان مردم علیه فساد و فاسدان باشد که می گویند با قوانین موجود و با توجه به دلائل و مدارک و پرونده باید به محاکمه فاسدان پرداخت و آنها را مجازات کرد؟ آیا این است سزای کسانی که نتیجه اعمال آنها بهر صورت و عنوان وضع کنونی کشور و مردم است؟ و آیا این گروه را تنها باید با تکیه به مدارک پرونده محاکمه و مجازات کرد یا بر مبنای واقعیت های عینی که ملت ما لمس کرده و دنیائی تیز به قضاوت نشست و از پیش رأی همه دائر به محکومیت آنها نظمی است؟

من میدانم که بعنوان یک قانونگذار سخن میگویم و باید گفته هایم مبتنی بر رعایت قانون باشد، ولی از شما و از وزیر دادگستری شما می پرسم مگر نه این است که همه قوانین بخاطر پیشرفت یک مملکت و رفاه و آسایش و آزادی یک ملت تدوین میشود و مگر نه این است که بمعنای واقعی کلمه این گروه هستند که علیه حکومت ملی با اعمال و کردارشان قیام کرده اند و مستحق مجازاتهای هستند که چون دیگران شامل اینها هم میشوند (صحیح است)

آیا میشود به مردمی که سالها شاهد شعبه بازی صاحبان با اصطلاح صنایع آهن و شیشه بودند و می دیدند و سپس می کردند که این با اصطلاح مردان اقتصادی چگونه همانند دزدان سرگردنه به حقوق آنها تجاوز می کنند و با همکاری دستگاههای اجرائی روز روشن چیب مردم نیازمند به آهن و شیشه را بیشرمانه تر و بی رحمانه تر از دزدان شب رو غارت می کنند گفت مرغ از قفس پرید و دو مرد اقتصاد دان و صنعت گر بزرگ!! که متأسفانه دز ارکان قوه مقننه هم راه پیدا کرده بودند یکی قبل از سلب مصونیت و دیگری پس از آن از کشور گریخته و کسی هم آنها را ندید و نفهمید!! و شما هم راضی باشید که این دردانه های بی وطن با میلیونها چپاول مشهودی که کرده بودند در چهار سوی دنیا مشغول عیش و عشرت خود خواهند بود در حالیکه برای آفتابه دزد امکان پنهان شدن از چشم هیچ مأموری نیست که همه هشیازند و بیدار و مواظب دزدان نایکار!!

آیا به گروه عظیم معلمان زحمت کش و فهمیده مملکت که در بدترین شرایط مادی در کمال سربلندی معماران جامعه فردا و مسئولان صنایع عظیم الشان انسان سازی مملکت هستند و از همه مسائلی که در مملکت میگذرد باینش خود آگاهی دارند میتوان گفت که شما چشمتان را روی هم بگذارید و بروی خودتان نیابورید که صاحبان صنایع قلابی آهن و شیشه که گوشه‌ای از اعمال آنها را عنوان کردم چه کردند؟ یا صنایع مونتاژ که کوس رسوائی آن از هر حیث بر سر هر بازاری نواخته شده که یک نماینده فروش آن در شهرهای کوچک هم از محل فروش غیرقانونی ذرهر روز درآمدی چندین برابر حقوق ماهانه یک معلم حتی در سطح دانشگاه دارد؟ یا زمین بازان و آپارتمان سازان که به یک ورزش باد موافق نمی از همه درآمد سنی سال خدمت یک معلم را بعنوان سود یک آپارتمان صدستری یا خانه‌ای چون قوطی کبریت به جیب میزنند و بعد هم از پرداخت مالیات معاف میشوند؟ یا صاحبان بانکهای جورواجور و رنگ و وارنگ خصوصی که در سالهای اخیر بوسیله همین دردانه‌ها بوجود آمد و چون زالو خون مردم را مکیدند و هنوز هم می‌کنند و نیمی دیگر از درآمد سی‌ساله یک معلم شرافتمند را بعنوان سود وام بانکی خرید خانه‌ها و می‌گیرند؟

آیا براستی میتوان به این مردم گفت همه اینها را ببینید و دم نزنید و تفهیمید و بروی خودتان نیابورید و در چنین حال و هوایی در کارخانه انسان سازی هم با صمیمیت و با تکیه به معنویت صادقانه کار کنید و برای جامعه فردا انسانهایی باشرف و با ایمان و صدیق و راستگو و درستکار تربیت نمائید؟ و اعتصاب و اعتراض هم نکنید که سروکارتان با سرنیزه است؟

آیا به مالک و صاحب حتی که پیش چشم اوزمین ملکی و موروثی یا خریداری و یا واگذاری اصلاحات ارضی را که در اختیار داشته بعنوان جنگل و مرتع نبوده ملی می‌کنند و بعد همان زمین را به از او بهتران!! واگذار می‌کنند تا کاخ بنا کند یا مزرعه و یاغ و ویلا ایجاد نماید میتوان گفت دم مزن و تماشاکن و حالا هم که به جان آمده‌ای فریاد مکش و خاموش باش که صحنه‌ات را گلوله خواهد شکافت؟

من نمیدانم شما از ماجرای جنگلهای شمال یا خرید پانه؟ منتهم همه چیز را نمیدانم ولی براساس آنچه شنیده‌ام از نامه‌هایی که بمن رسیده دریافت‌ام میدانم که جنگلهای

شد به نفع مملکت، خوب هم بود، ولی آنها را از صاحبان و مالکان یا حداقل متصرفانش گرفتند و بعد بنام مخروبه‌به گروهی از مردم ناباب که با کار جنگل داری، کشاورزی دامداری و باغداری بطور کلی آشنا نبودند و اکثریت آنها را وزیران، وکیلان، امیران، سناتورها و صاحبان صنایع و بالاخره دارندگان عناوین و مقامات تشکیل میدادند تقسیم و واگذار نمودند که این حضرات از محل فروش چوبهای موجود در همان جنگلهای باصطلاح مخروبه که اغلب هم چوبها را به صاحبان اصلی آنها یعنی کشاورزان و مالکان محلی می‌فروختند نه تنها اجاره بهای اولی و قیمت بعدی را پرداختند برای ساختمان ویلا یا ایجاد باغ و مزرعه‌شان هم سرمایه‌ای بدست آوردند که اینک سخن از میلیونها تومان ارزش هریک از قطعات آن است که اغلب هم بر خلاف همه مقررات و قوانین و یا با تباخی با مقامات و کسب موافقت صاحبان امضاهای مجاز به این آن و فروخته‌اند و بدنبال کارشان رفته‌اند.

آیا به مردمی که صاحب این جنگل‌ها بودند و یا شاهد این ماجراها باید گفت لب از سخن فرونیدید و عصبانیت نکنید تا مجبور نباشیم بنام استقرار نظم و امنیت به حسابتان برسیم؟ یا بهتر است که طراحان این برنامه خائنان را به دادگاه فوق العاده انقلابی بکشانیم و مجازات کنیم و این ثروت برباد رفته را با تدوین یک قانون انقلابی به بیت‌المال بازگردانیم تا آرامش برقرار شود؟

آیا بهتر نیست که بجای هیا هو بالغو ماده ۶ قانون ظالمانه ملی کردن جنگلها و مراتع حقوق مردم را به آنها بازگردانیم و به معترضین هم فرصت بدهیم برای طلب حق خودشان به دادگستری بروند و متجاوز و قاضی رایک مقام قرار ندهیم که تا هر چه میخواهند با مردم بکنند؟

آیا بهتر نیست که بجای دلخوش کردن معلمان و کارمندان به اضافه حقوقی که هنوز تصویب نشده بالا رفتن قیمت‌ها حسابش را رسیده است با مجازات کردن چپاولگران امکاناتی فراهم آوریم که دیگر کسی نتواند شیشه متری ۱۴۰ ریال را به گفته مخبر کمیسیون دادگستری بیش از ۱۰۰۰ ریال بفروشد و با بنام حمایت از فولاد از هر کیلو آهن وارداتی ۷ ریال به حقوق سیر ناشدنی چند دزد ریخته نشود و خودشان هم نتوانند علاوه بر قیمت تعیین شده آهن که خود آن قیمت هم جای بحث دارد چیلگانه از خریدار هر کیلو ۱ تا ۲۰ ریال یعنی ۲۰ تا ۵۰ درصد قیمت اهائی دریافت کنند و به حساب جداگانه‌ای در بانک اختصاصی خودشان بریزند

و بعد هم بکنند آنچه دلشان میخواهد و بروند آنجا که عرب‌نی انداخت؟!

آیا بهتر نیست بجای اعمال قدرت نظامی بررسی کنید به بینید قانون معافیت و عوارض سود بازرگانی شیشه باتبانی چه کسانی تهیه شد که من همانروز هم بهنگام طرح قانون آن فریاد کشیدم و پاسخ شنیدم برای همه امکانات فراهم است ولی بعد معلوم گردید؟ شیشه‌ها در راه بود و هنوز امضاء قانون خشک نشده از راه رسید و بر سر آن همان رفت که تولیدات داخلی بدست معدودی و به صورتیکه میدانید بفروش میرسید؟

آیا عقیده ندارید که در ازای رودررو قرار دادن سربازان و صنفی‌ها بآرد دل آنها گوش دهید و به بینید بنام حق عضویت اتحادیه، تحت عنوان جریمه، بنام جواز و غیره به روز آنها چه آوردند؟ و چه کسانی اجازه وزود لباس خارجی نیمه دوخته را بعنوان مثال در انحصار یک مرز گذاشته و هزاران خیاط هنرمند ذبت دوز را نگران و ورشکسته و در بدر نمودند و خودشان با استفاده از وام صنعتی، برق صنعتی ارزان و بسیاری کمکها و فعالیت‌های دیگر هرچه خواستند کردند و همانند اعضاء صنف خیاط نه آن جریمه‌ها را دادند و نه مالیات می‌پرداختند و نه گرفتار حق بیمه و جریمه دیر کرد کارگر داشته و نداشته بودند؟

من نمیدانم حکومت زور و قدرت می‌تواند آتشی را که این اعمال و نظایر آن در دل اصناف روشن ساخته و بهمه چیز و همه کس بدیشان نموده تا آنجا که با تحمل خطر و رشکستگی به اعتصاب دست می‌زنند خاموش کند یا بهتر است بجای اعمال قدرت کسانی را که با اصناف مملکت چنین کردند بسزای اعمالشان برسانیم و از ادامه ظلم و تجاوز به آنها که بهر حال نتیجه نهائی ضرر و زیان و جریمه آنها تحمل بر مصرف کننده واقعی مملکت است جلوگیری نمائیم؟

آیا بجای اخطار کردن به این گروه و تهدید کردن آن دسته بهتر نیست به حساب و کتاب و اسهائی که بعنوان بلاعوض یا با سود ناچیز بنام کشاورزی و صنعت به اشخاص داده‌اند برسید و کسانی را که وام قلابی گرفته‌اند و یا آترا حیف و میل نموده و یا اصولاً کشاورز و صنعتگر نبوده‌اند به بند بکشانید و پول بیت‌المال را از آنها پس بگیرد و اموالشان را همانند دزدان بیت‌المال اداری بکجا مصادره و خودشان را هم مجازات نمائید؟

آیا بجای خاموش کردن صدای اعتراض کسانی که زمین و آب آنها را بنام شرکت زراعی یا تعاونی یا کشت و

صنعت گرفتند و خودشان را سرگردان کردند و کاری هم از پیش نبردند بهترین راه حل بجای هیا هو و تهدید، رسیدگی فوری به درد دل آنها و رفع مشکلشان نیست؟

آیا به فریاد اعتراض ۵۰ درصد مردم این مملکت که ساکن روستاها هستند و آب و برق و راه و مسکن ندارند باید با توپ و تشر جواب داد یا با رفع این نیازهای اولیه و تعقیب برنامه ریزان و مجریان فاسدی که در کار تعیین اولویت‌ها خاصه خرجی خرابکارانه کردند و گروهی که تازه همان برنامه‌های نیمه اصولی را هم انجام ندادند و یا پولش را حیف و میل کردند و در پاره‌های موارد کل اعتبارات را بلعیدند باید برآتش عصبان آنها آبی ریخت؟

آیا بهتر نیست بجای خاموش کردن فریاد اعتراض کارمندان و کارگرانی که از وضع بیمه درمانی به تنگ آمده‌اند حساب و کتابی در این کار به نفع مردم برقرار کرد و به گذشته سازمان بیمه‌های اجتماعی هم رسید و دزدان و یغماگران این بیت‌المال مردمی و کارگری را هم به اشد مجازات رساند که حق کارگران و مردم را چپاول کردند و بردند و خوردند؟

و بالاخره آیا بهتر نیست که برای خاموش کردن آنان ب فکر تأمین بهداشت و درمان مجانی واقعی برای همه مردم باشید و به توزیع عادلانه درآمد مملکت فکر کنید؟

آیا فکر نمی‌کنید که پاسخ مردم بی‌مسکن که از گرانی زمین و نبودن امکانات تهیه مسکن به عصبانیت کشیده‌اند توپ و تانک نیست و بهتر است با یک حسابرسی دقیق به اعمال و رفتار بانکهای خصوصی که در جهت امور قانونی و غیرقانونی دست‌اندر کارند و در پناه یک دکان چندبتری سرگرم مکیدن خون ملت و کمک به ورشکستگی اقتصاد مملکت و مقروض کردن همه آنها را به نفع مملکت یکباره ملی کنید و این دکانهای فرع‌خواری و صرافانی را به بندید و از محل آن پولهای چپاول شده وام بدون بهره و یا با بهره ۱ تا ۲ درصد آنهم بعنوان کارمزد به‌سختی و کارمند و کارگر زحمتکش بدهید تا گرفتار صرافان و بانکهای خون آشام نباشند؟

آیا بهتر نیست که بجای رودرروئی با مردم به میدان بیائیم و با بررسی کاری که صنایع مونتاژ باهستی مردم این مملکت کردند و یا سرمایه دولت صنایع بی پایه و اساسی را بی‌افکندند و از این راه ثروت بادآورده‌ای به دست آوردند و بردند. برسید و طراحان و مسئولان و دست اندرکاران آنها را به محاکمه بکشانید تا هم حساب گذشته

را پس بدهند و هم با مصادره اموال و دارائی آنها که متعلق به مردم است ادایه تجاوز برایشان میسر نباشد؟ من نمیدانم در کجای دنیا ممکن است کسی که خودش مدعی است ده سال پیش مال و منالی نداشته و بی سواد هم هست و حالا ادعا میکند از نمایندگی فروش یک نوع اتومبیل در یکی از شهرستانها وضعی پیدا کرده که صد میلیون تومان برای کارهای خیر و نیکوکاری میدهد. آنهم بوسیله سازمان شاهنشاهی و آن برنامه کذائی که بحمدالله اصلش منحل شد و فرعیاتش هم مسلماً برجیده میشود زیرا بنام کمک به خانواده‌های بی سرپرست اسماً سازمان شاهنشاهی مسؤل بود ولی مردم و انجمنهای ملی می‌بایست خرج خانواده‌ها و حتی در اغلب موارد کادر اداری را هم بدهند نظیر بسیاری از بنیادهای خیریه درمانی که فقط اسمی دارند و مخارجشان بدوش مردم است. من نمیدانم بجز از این قبیل اشخاص چه کسی خرج و کمک سازمان شاهنشاهی را می‌پرداخته است و آیا بهتر نیست بجای رجزخوانی «این منم طاووس علین شده» اشخاص چند کاره‌ای که مملکت را به فساد کشاندند و دزدانی که از این سازمان هم هرچه خواستند بردند آنها را تعقیب کنیم و قانون از کجا آورده‌ای را در مورد همه اعمال کنیم تا معلوم شود اشخاص متخلف چه کاره‌اند و بالاخره بهتر نیست بجای چوب زدن به درماندگان عصیان زده برای تعدیل ثروت و توزیع درآمد برنامه‌ای اساسی داشته باشید تا نیازی به توپ و تانک و هارت و پورت نباشد؟ و آیا سزاوار نیست که از این همه نیروی نظامی در جهت دستگیری و تعقیب اشخاص نظیر مدیر عامل کیش که همه از شنیدن اخبار سوء استفاده‌های عجیب و جور و اجور او شاخ در آوردیم استفاده می‌شد تا مردم باور کنند که مبارزه با فساد جدی است و فساد مجازات میشود نه اینکه زانوی غم به بغل بگیرد و اعلام کنید که حضرت مدیرعامل با هواپیمای اختصاصی متعلق به شرکت آنهم بدون اجازه و زیر نظر رادارهای مملکت از مرز هوائی گذشت و به بهشت موعودش رفت تا از جیب ملت زحمت کشی کیف کند از کیسه خلیفه در کاربازه‌ها به این و آن به بخشد و به عیش و عشرت بنشیند تا همه مردم وطن ما راریشند کنند؟ آیا بهتر نیست که بجای پخش اعلامیه‌های پریه‌های حکومت نظامی در شهرهای مختلف که همه خطایش بر مردم است و فرمان است که خاموش باشید و سکوت کنید و انقلابی را که اصالت آنهم تأیید شده متوقف نماید تا بیش از این دست دزدان و چپاولگران رو نشود و اعمال

ناروائی آنها بر ملا نکرده تا هر بار دور هر شهر اعلامیه‌ای منتشر می‌کردید که حاکی از رسیدگی به کار چپاولگران همان شهر یا مؤسسات دولتی و خصوصی همان منطقه بود وضع آن جز کشف فساد و دستگیری و مجازات فاسدین راهم می‌دادید؟

آیا بهتر نیست بجای نطق و خطابه و اعلامیه و اظهاریه و بگیرو ببندهای مردمی که عصیان کرده‌اند تا دیگران مرغان از قفس پریده‌اند مواظب آنها باشید و به حساب و کتاب برنامه‌های شرکت‌های دولتی نظیر، رادیو تلویزیون ذوب آهن، ذغال، مس، شرکت‌های آب و برق منطقه‌ای و صدها شرکت و مؤسسه دولتی و خصوصی که همه آنها متأسفانه مرکز فساد و حیف و میل و تبعیض و رفیق بازی هستند برسید و از اعمال آنها که در این مشاغل به ملک و ملت خیانت کرده‌اند پرده بردارید؟ آیا هنگام آن نرسیده است که بجای تحمیل مالیات‌های غیر مستقیم به دوش اکثریت مردم و طبقات کم درآمد که فریاد و فغان آنها بیشتر از ظلم و فساد به آسمان بلند است مالیات حقه را از حقوق صاحبان درآمدهای شرشار بیرون بکشید و طبقات کم درآمد را از پرداخت مالیات مستقیم و غیر مستقیم معاف کنید و بجای افزودن بی رویه بر همه حقوقها حداقل دستمزد دریافتی رادرمیزی واقعی که میتواند جوابگوی زندگی مردم باشد و با توزیع عادلانه درآمد سرانه هم تطبیق کند تثبیت نمایند؟ و مگر نه این است که روزانه بیش از ۶ میلیون بشکه نفت صادراتی مملکت ما دارد که بایک حساب سرانگشتی از محل فقط همین درآمد نفت حداقل درآمد سرانه یک خانواده پنج نفری حدود سی هزار ریال است؟

آیا بهتر نیست که بجای بزندان کردن نوجوانان و گناز اشک آور بیگان آنها انداختن و گلوله بستن بر پدران و مادران با شرف آنها یعنی بازنشستگان بیندیشید و بطور کلی برای زنان و مردان از کار افتاده مملکت فکری بکنید که این گروه زحمت کش که ۶-۷ سال سن دارند و سی، چهل سال خدمت کرده‌اند با قنوق فلاکت دست‌بگریبان نباشند؟ و آیا میتوان بفکر این واقعیت شد که فرزند پدر بازنشسته با شرفی که اینک در پایان عمر و پس از دهها سال خدمت صادقانه با نان بخور و نمیر زندگی می‌کند و ناچار است با سبیلی صورت خود را سرخ نگاهدارد و از روی زن و فرزند خجالت می‌کشد نمی‌تواند و نباید شاهد این همه بی‌انصافی باشد و از سویی درآمدهای بادآورده و ریخت و

پاشهای بیهوده چپاولگران را که در همسایگی او هستند و یا فرزندان هم کلاس او هستند به بینه و دم فرو بندد و ساکت و آرام باشد و عصیان نکند و به کائنات بدین نباشد و بدو بیره نکند؟

آیا بهتر نیست با تأمین زندگی این مردم خانه‌نشین که ویرین خانواده‌ها و مورد احترام و بزرگ خانواده هستند آبی بر آتش اعضا خانواده آنها بریزیم و کمی از طنین فریادهای ازدل برآمده فرزندانمان بکاهیم و از همه مهمتر جلو انحراف و نادرستی آینده فرزندان آنها را که وضع و حال پدر با شرف را می‌بیند بگیریم؟

من از این قبیل آیاهای مگرها و بالاخره از این گفتنی‌های تلخ بسیار دارم و تنها بدکر چند شاهد مثال اکتفا کردم و برای اطلاع شما باید بگویم که در حین یکی دو ماه اخیر هزاران نامه و تلگراف از چهار سوی مملکت به شخص من رسیده است که همه حاکی از ناراضی و طغیان علیه ظلم و فساد و تبعیض است و به اعتقاد من ریشه اصلی همه مسائل امروز مملکت ما همین نکته است که مردم را به حساب نیاوردیم و هر کس که زر و زوری داشت تا توانست به آنها ظلم کرد و دستگاه‌های اجرائی هم از هیچ تجاوزی روگردان نبودند و مجموعه همه این ظلمها آن شد که اینک فریاد همه از ظلم و فساد بر آسمان بلند است و گوش فلک را کر کرده است؟ جناب آقای رئیس دولت: آیا پاسخ باین نامه‌ها زور و توهین و گلوله و سرنیزه است؟ اگر چنین است خوش آمده‌اید و اگر جز این است باید گفت شما مشکل‌گشا نیستید همانطور که دولت آشتی ملی هم نبود و نتوانست کاری بکند و شما بخصوص در طریق انجام آن هم نیستید و نمیتوانید باشید، برای نمونه مگر نه این بود که دولت آشتی ملی برای رفع کدورت از روحانیت با اصطلاح بمیدان آمده بود و مدعی شد که در مقام آن است که اگر در گذشته بی‌حرمی به مقام مقدس روحانیت شده و به پیشینیان مربوط است جبران کند؟ آیا برآستی چنین هم عمل کرد؟ هرگز، باور کنید که من در شهر و موطن خود از آنچه بر روحانیت گذشت به جان آدم و شرم دارم بگویم که چگونه کولی بازی براه انداختند و چه کسانی و چه گروهی را با برنامه‌ریزی قبلی تحریک کردند و بیخایان کشاندند و مسلح به چوب و چماقشان کردند و به خانه خدا ریختند و مسجد را به آتش کشیدند و مردم را به خاک و خون کشاندند و هست و نیست تنی چند از مردم مؤمن و مقدس شهر را در آتش حقد و حسد و غرض‌ورزی خود سوختند و به روحانیون در حدی بی‌احترامی کردند که حضرت آیت‌الله‌حاتمی را بی‌عیا و عمامه در خالیکه دچار

ناراحتی قلبی شده بودند به خانه سرایدار مسجد منتقل کردند و بقیه روحانیون با سروپای برهنه و با سرودست شکسته همراه با مردمی که فریاد و فغانشان به آسمان بلند بود و از گاز اشک‌آور و گاز خفه کن به‌مرگ رسیده بودند زیر فشار چوب و سنگ و آجر وحشت‌زده بیخایان ریختند آیا باین شیوه‌ها از روحانیت ایران رفع کدورت میتوان کرد که دولت آشتی ملی و اعوان و انصارش کردند یا با نقل مطالب ناروائی که متأسفانه آقای چهارزی در نطق موافق با دولت شما در این مجلس ساعتی پیش عنوان کردند که نه تنها صحیح و بجا نبود و مورد تأیید ما نیست توفیق به مقام روحانیت و مرجع عالیقدر شیعه جهان هم هست (صحیح است) و ما را بسختی متأثر و متالم کرد که چرا باید چنین مطالبی در پارلمان ایران مطرح شود؟

دکتر صدیق اسفندیاری - آقای دکتر چهارزی دکتر بیماری روانی هستند (خنده نمایندگان)

مظهری - آیا با این رویه کار به سامان میرسد؟ هرگز گذشته از همه اینها من نمیدانم مگر دولت شما پاسخ هر حرکت و تظاهری را ولو اینکه بقصد اعتراض به فشار و فساد و ظلم و دیکتاتوری باشد جز با گلوله میدهد؟ مگر نه این است که در دولت شما از روزنامه‌های بزرگ خبری مملکت خبری نیست و مسئولان امر باین اعتنائی به این مسئله مهم که قطع رابطه فکری و اطلاعاتی مردم است روبرو می‌شوند؟ و مگر این واقعیت غیر قابل انکار است که در جامعه‌ای که پارلمان و مطبوعات آزاد وجود نداشته باشد هر قدر هم حسن نیت و دلسوزی باشد فساد و خودکامگی و تباهی و حیف و میل و تجاوز به حقوق مردم و بالاخره دیکتاتوری اجتناب‌ناپذیر است؟ مگر چند بار باید در این مملکت همه چیز را تجربه کرد؟ مگر نه این است که شما دم از قانون اساسی می‌زنید؟ آیا مطبوعات ما و نویسندگان ما توقعی بیش از آزادیهای مصرح در قانون اساسی دارند؟ مسلماً خیر ولی متأسفانه تحت عنوان ایجاد نظم و امنیت یکبار دیگر پایگاههای مردمی و آزادیهای قانونی به نابودی کشیدند و این اطمینان وجود دارد که با عدم وجود مطبوعات خبری همین مذاکرات مجلس هم برای آگاهی مردم از رادیو و تلویزیون بخش نمیشود تفاوت این کار شما با وزیر اطلاعات دولت اسبق که یک شبه جلواتنشاره نشریه مملکت را بدون دلیل و با زیرپا گذاشتن همه قوانین مملکت گرفت و اینک هم پس از سالها وزارت و لفت و لیس مشغول مطالعه و استراحت و شاید تحریر کتابی در زمینه آزادی مطبوعات است چیست؟ حالا هم که از دولت سابق شروع کردند به انتشار مجدد آن نشریات متأسفانه باروی کار آمدن دولت شما

روزنامه‌های خبری بزرگ مملکت تعطیل شده‌اند، چه فرق است میان این دو کار؟ آیا همه حکایت از آن ندارد که دولتها اغلب بطور کلی مطبوعات مطیع و سربراه و تسلیم می‌خواهند نه آزاد و منتقد و حقیقت‌گو؟

نکته مهم این است که در چنین حال و هوایی که توجه همه مردم بسوی رادیو و تلویزیون است متأسفانه در آنجا هم به شیوه‌های پوسیده و کهنه گذشته بگونه‌ای عمل می‌کنند که گوئی دستهای مظنون خائنان خادم شده هنوز هم از این دستگاه کوتاه نشده و کماکان در پس پرده مشغول خرابکاری و ایجاد ناباوری و از بین بردن آثار هرگونه حرکت مردمی است. بالاخره آخرین سوال من این است که وقتی دولت آنتی‌ملی با این عنوان نتوانست از حمایت روحانیت که از هیئت حاکمه رنجیده خاطر و یقین عصبانی و ناراحت و بی‌اعتماد و بی‌اعتقاد است استفاده کند و دانسته یا ندانسته برای رفت که مشکلات تازه‌ای هم بوجود آمد شما چگونه با اعمال قدرت نظامی بدنبال جلب حمایت روحانیت و مراجع عالیقدر هستید؟ که بدستور دولت و دولتیان گذشته به آنها اهانت کردند و اجازه انتشار پاسخ توهین را هم ندارند و بعد هم به حریم خانه مراجع تجاوز کردند و مردم را در اندرون آنها هم کشتند و کسی هم بعنوان مسئول معرفی و مجازات نشد؟ آیا بهتر نیست اعمال قدرت نظامی را در آن جهت بکار برید و عاملین آن بی‌حرمتیها را محاکمه و مجازات نمایند و همینطور طراحان و مجریان حمله به مسجد جامع کبیر کرمان؟ خلاصه کلام آنکه تا مسئولان امر و کسانی که با اعمال و کردار و رفتار و برنامه ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و تبلیغاتشان مملکت را به این روز کشانده‌اند در دادگاههای قانونی محاکمه و مجازات نشوند مردم ما با چشم ببینند، کسی مبارزه با فساد را جدی نمی‌گیرد که از این بگیرد و به بندهای فصلی بارها بین نسل کنونی دیده‌است.

نکته مهم این است که به اعتقاد من در عین حال که متجاوزان به بیت المال فاسدند و باید محاکمه شوند باید توجه داشت که این مال به یغما رفته قابل جبران است و مردم، و وطن، بارها دچار این چپاولگریها در طول تاریخ بوده و جبران کرده ولی آنچه قابل جبران است و مسئولان نابودی آن باید محاکمه و مجازات شوند فروریختن همه بنیادهای مذهبی و اخلاقی و فرهنگی ماست که متأسفانه با برنامه‌ای حساب شده بویراتی کشانده شده و فضیلت و تقوا از جامعه رخت برپشت و دانش و بینش و هنر و ادب بی‌خریدار ماند و همه چیز در گرو پول رفت و بس و

برنامه‌ها همه در زمینه یک‌غرب زدگی منحط و یک فرهنگ استعماری حساب شده شکل گرفت، روابط خانوادگی، ارتباطات اجتماعی، بستگی‌های فامیلی و محله‌ای و شهری و بالاخره هر آنچه که نزد مردم ما ارزشی داشت خمیرمایه بهم پیوستگی و وحدت ملی و پایگاهی برای پرورش معنویات بود نابود شد و کاکهای جوانان و کافه تریاها و پارتهای شبانه و جشنهای رنگارنگ ماهانه و سالیانه جای آنها را گرفت و دولت خود مشوق و مؤید و بوجود آورنده این برنامه‌ها شد و جوانان را بجای تشویق به کسب علم و دانش و فرهنگ و هنر و رفتن به کتابخانه‌ها و انجمن‌های علمی و ادبی و مراکز هنری و اجتماعی و به مجامع و مجالس مختلف که مرکز انحطاط اخلاق و فرهنگ بود کشاندند و کار به اینجا رسید که دیدیم و جا دارد که بگوئیم اگر تبلیغات مذهبی و نفوذ قلبی دین اسلام نبود نسل جدید بکلی از دست رفته بود و بیشترین سهم را در این جهاد مذهبی و ملی ایدئولوژی جهان بینانه اسلامی شهید جاویدان دکتر علی شریعتی داشت که بعنوان پدیده‌ای نو در تاریخ اسلام و بخصوص در مذهب شیعه جهره نمود و جوانان را بسوی معنویت کشاند و مجهز به ایدئولوژی واقعی اسلام کرد و این گروه در مکتب او درس انسانیت و خدا پرستی آموختند، اینجاست که مجدداً روی سخن من با شما دولتیان است که با چنین نسلی و چنین گروهی که گفتم نمیتوان از موضع قدرت سخن گفت که گروهی فاسد و تباه شده‌اند و جمعی از موضع ایمان سخن می‌گویند که حصن حصین خداست و باید با این نسل همراه و همگام شد و خفتگان را هم بیدار کرد و براه آورد و خواسته‌های آنها را واقع بینانه شناخت و بدان جامه عمل پوشاند و بالاخره از این نیروی عظیم که مجهز به سلاح معنویت و ایمان است در جهت اعتلای ایران و گسترش فلسفه واقعی اسلام بهره گرفت. همکاران محترم، خدا میداند که برای بحث در برنامه این دولت در حال و هوای کنونی بسیار اندیشیدم و بمصدق این شعر که:

ناله را هر چند میخواهم که خاموشش کنم

سینه می‌گویند که من تنگ‌آدم فریاد کن
بالاخره با قبول همه عوارض و مشکلاتش فهرست وار
به مطالبی اشاره کردم که فشرده آنرا تکرار می‌کنم و یادآور میشوم چون عواید قانون اساسی ما از دولت موقت نظامی ذکری پیمان نیامده و مهمتر از آن به اعتقاد من حکومت نظامی و بطور کلی هرگونه اعمال قدرت مشکل گشای مسائل کنونی مملکت ما که همه ناشی از فساد و تباهی و خودکامگی و ایجاد عدم اعتماد و اعتقاد در مردم است نمی‌باشد و از سوننی برنامه دولت را که خلاصه

آن ایجاد امنیت بمنظور حفظ استقلال و ملیت و تأمین ارزاق و بکار انداختن چرخهای مملکت آنهم از طریق زور است قابل بحث نمی‌بینم و معتقدم تحت عنوان ایجاد نظم و آرامش همه آزادیها از میان رفته و خواهد رفت بدولت رأی کی بود می‌دهم با ذکر این نکته که امیدوارم مخالفت من با دولت نظامی بد تعبیر نشود زیرا به همه سربازان و افسران و نظامیان شرافتمند احترام می‌گذارم و کار آنها را در سنگر خودشان که دفاع از ایران است می‌ستایم و مسلماً در این سنگر همیشه مردم ایران هم در کنار آنها بوده و هستند ولی همانطور که در هنگام طرح لایحه حکومت نظامی گفتم من همیشه آرزو مند ارتش و مردم کنار هم باشنده رو بروی هم و این رو در روئی را به مصلحت مملکت نمیدانم در مورد مبارزه با فساد هم که در برنامه دولت آمده خلاصه حرف من این است که تنها با دستگیری چند مقام اداری آنهم طبق ماده ۵ حکومت نظامی دردی دوا نمیشود و معلوم نیست چرامیان مثلاً اعضاء دولت سبک و سنگین کرده‌اند؟ و نمیشود فهمید معیار و تراز و چه بوده است؟ چون اگر وزیر بهداشتی اسبق دزد بوده و مسؤول است همه کسانی هم که تصویب نامه‌های دارو را که او آورده امضاء کرده‌اند مسئولند و شریک جرم!! او یا همه کسانی که تصویب نامه لباس را امضاء کرده‌اند باید بازداشت شوند و نظایران تا در عین حال درسی برای وزرای فعلی و آینده هم باشد که بروند و قانون اساسی را با دقت بخوانند و بدانند مسؤولیت مشترک چیست و چه باید جوابگوی مجلس باشند و هیچ دستور و بهانه‌ای هم رافع مسؤولیت از آنها نیست خلاصه آنکه در این کار هم تبعیض شده و روا نیست که عده‌ای فراموش شوند چه از دولتیان و چه سایر مقامات و صاحبان شاغل خصوصی و از همه مهمتر بازداشت طبق ماده ۵ هم مشکلی را حل نمی‌کند و با حرفهایی که جناب آقای وزیر دادگستری زدند و موضوع لایحه دادگاههای فوق‌الاولیه را هم متنتی کردند و مسلماً حضرات هم مدرك محکمه پسندی ندارند باید در انتظار تیرنه و آزادی و جشن و پیروزی آنها بود.

بهر تقدیر و سخن آخر آنکه چون دولت نظامی نمی‌تواند در اوضاع و احوال کنونی گرهی از کارهای مملکت بگشاید از تأیید آن معذورم و برای آنکه مخالفت‌های پیاپی با سه دولت خدای ناکرده حمل بر باصلاح مخالف خوانی نشود یادآور میشوم که تنها راه حل معضلات و مشکلات کنونی مملکت برای خاموش کردن خشم و عصبان مردم و جلب اعتماد و اعتقاد عمومی و بمنظور مبارزه بی‌امان و گسترده با فساد و بیخاطر رسیدن به آزادی، عدالت و رفاه جامعه ایران نیازمند تشکیل یک دولت ملی است که دارای تقوای سیاسی و سرمایه خدمتگزاری و وطن پرستی باشد و بتواند با تکیه به نیروی مردم و در پناه فضیلت اخلاقی و اجتماعی که دارد از پشتوانه مردم بهره بگیرد و در چهار چوب اجرای دقیق اصول تفکیک ناپذیر قانون اساسی که همه ما برای پاسداری از آن سوگند یاد کرده‌ایم مشکلات را از میان بردارد بدیهی است لازمه تشکیل چنین دولتی تشکل همه نیروهای مذهبی و ملی و دستجات و گروههایی است که در انقلاب ملی ایران نقش اصیل و اصولی بعهد داشته‌اند و می‌بایست صرف نظر از تفاوت سلیقه‌ها و اختلاف نظرها با از خود گذشتگی این جهاد ملی را شکل بدهند و حرکت ملت ایران را در جهت حفظ استقلال و ملیت و اعتلای ایران و تعمیم دموکراسی و تأمین آزادی و ایجاد رفاه و آسایش مردم و در عین حال حفظ منافع و منابع ملی راهنمایی کنند تا خدای ناکرده از این بازار آشفته دشمنان ملت ایران که به کمین منافع و منابع ملی ما هستند از ضعف موجود بهره‌گیری نکنند و بالاخره با استقرار حکومت قانون و دموکراسی اصیل ملی ملت ما به آرزوی دیرین خود برسد، انشاء الله نصر و من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین (احسن)

رئیس - آقای سلیمی بفرمائید.

متوجه سلیمی - جناب آقای رئیس، همکاران محترم فرمایشات دوست و همکار بسیار ارجمند خودمان جناب آقای مظفری را در مورد دولت‌های گذشته شنیدیم و طبعاً بسیاری از مطالبی که مطرح فرمودند، در مورد دولت‌های گذشته مورد تأیید همه ما است. بنابراین امیدوار هستم کسانی که قصد دارند در آینده مسؤولیت‌های مختلف این مملکت را بعهد بگیرند به فرمایشات ایشان کاملاً گوش داده باشند چون بسیاری از این مطالب می‌تواند راهنمای بسیار خوبی باشد برای کسانی که می‌خواهند بر مردم و مملکت خدمت کنند. در شرایطی که هاله‌ای از ابهام موجودیت و استقلال ما را در بر گرفته و همین پرستان واقعی روز و شب در آتش نگرانی برای حال و آینده این سرزمین مقدس می‌سوزند و دشمنان ایران جرأت پیدا کرده‌اند تا برای استفاده از شرایط موجود بخود وعده‌هایی بدهند، بی‌ثباته دولتی را بررسی میکنیم که برای تضمین استقلال ایران عزیز و برقراری امنیت و احیای روال عادی زندگی بطور موقت روی کار آمده تا پس از برقراری شرایط مطلوب جای

خود راه دولتی بدهد که بتواند فضای آزاد مورد نظر برای برگزاری انتخابات مجلسین را ایجاد نماید. وقتیکه به وقایع یکشنبه شوم چهاردهم آبان میگردیم می بینیم که آتش کینه و خشم غده‌ای ودسیسه و ماجراجویی عده دیگر دست بدست هم داده میرفت که تمام هستی ما را بدست شعله‌های ویرانگر بسپارد و آنچه را که برای بدست آوردنش ملت ایران سالیان دراز زحمت کشیده بود در فاصله چند ساعت محو و نابود نماید.

این دیگر فریاد ملتی نبود که برای تحصیل آزادیهای تضمین شده بوسیله قانون اساسی صدای خود را بگوشن مسئولین میرساند. (صحیح است)

این دیگر اراده ملتی نبود که خواستار اجرای دقیق قانون اساسی خود بود.

این دیگر نهیب ملتی نبود که برای رفاه و بهزیستی هم میهان خود قیام کرده بود تا حقوق از دست داده را بازستاند.

بلکه این ندای شوم عواملی بود که آزادی و بهزیستی و یکپارچگی ملت ایران را سد راه امیال پلید خود میداند (احسنت) این نهیب شوم عواملی بود که یکپارچگی شاه و ملت را بنفع خود نمیداند و ترجیح میدهد ملت ایران همیشه در حال تفرقه و درگیری بایکدیگر باشد تا بلکه آنها بتوانند از وضع آشفته ما برای مقاصد پلید خود استفاده و ایران را به ایرانستان تبدیل نمایند.

این آوای شوم جغد صفتانی بود که ویرانی ایران را میخواستند.

پیام آنها چه بود؟ برافراشتن پرچم بیگانه، به آتش کشیدن آنچه که ایرانی و متعلق به مردم این مرزوبوم بود. توهین به مقدسات ملی و قانون اساسی ما. عجب این است که آنان تحت لوای مبارزه برای آزادی دست باین کارها زدند.

در ماههای اخیر شاهد بوده ایم که عده‌ای بنام آزادی مدارس و دانشگاههای ما را تبدیل به صحنه جنگهای پارتیزانی کردند و بنام آزادی دست باعصابهای آنچنانی زدند. که نه تنها اقتصاد و صنعت مملکت را فلج نمودند بلکه ما محتاج اولیه زندگی مردم را نیز از دسترسشان خارج کردند. بنام آزادی آنچنان هرج و مرجی پیا کردند که موجودیت و استقلال مملکت در معرض خطر واقعی و جدی قرار گرفت.

در چنین شرایطی چاره‌ای جز این نبود که بین هرج و مرج بلباس آزادی جلوه گر شده و امنیت، موقتاً یکی را برگزینیم. در چنین شرایط خطیری رهبر ایران با تأیید

انقلاب حق طلبانه ملت ایران و برای حفظ موجودیت مملکت از خطر دسیسه عوامل بیگانه تصمیم گرفتند که اولویت راه امنیت و استقلال ملی بدهند و یکی از سربازان میهن پرست را مأمور فرمودند تا این وظیفه خطیری را در این لحظه بحرانی انجام دهد. اما سؤال اساسی این است که چرا اینهمه خشم؟ چرا اینهمه نفرت؟ چرا آنچنان ظغیانی که چشم منطق کور شود و انسان تحت تأثیر احساسات خود هرچه را ببیند بسوزاند و ویران کند؟

اگرچه خشم و نفرت و ظغیان بی منطق همیشه محکوم است ولی در این مورد رابرسی کنیم خواهیم دید که مقصران اصلی کسانی هستند که سالیان دراز آنچه میباید نکنند نکردند و آنچه نمی بایست بکنند کردند، تا گروهی از مردم شریف ایران را به شرحه از خشم و ناامیدی سوق دادند که باین آسانی برای نجات خود بدامان دشمن پناه برد و بدست خود کاری کند که دشمنانش هرگز جرأت انجامش را نداشتند. (صحیح است).

نگاهی به مسائل کنونی ایران نمایانگر این واقعیت تلخ است که چگونه در اثر سهل انگاری، کوتاه فکری و احياناً خیانت عده‌ای از بهترین موقعیتها، بهترین امکانات و بهترین هدفها نتوانستیم نتیجه‌ای که مورد نظر رهبر و ملت ایران بود بدست بیاوریم.

در یکی از سمینارهای دانشجویی بررسی مسائل ایران که در مردادماه سال جاری با شرکت نمایندگان دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی مختلف و نمایندگان

دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور تشکیل شده بود دانشجویان در کمیته‌های مختلف مسائل ایران را مورد بررسی قرار دادند و در قطعنامه‌ای که صادر کردند اعلام داشتند که: اصول، هدفها و سیاستهای کلی ما کمتر دچار اشکال بوده و آنچه که باعث کندی و یا عدم موفقیت در

اجرای برنامه‌های مملکتی بوده و موجب پیدایش فساد، کم کاری و بیکاری میگردد همانا دخالت بیش از حد دولت در کلیه امور مردم و کنار گذاشتن کامل مردم در مسائل مربوط به خود آنان میباشد بطوریکه مردم در زندگی خود مشارکت واقعی نداشته و برای کلیه کارها متکی بدولت میباشند. این مداخله بیش از حد دولت در امور مردم باعث شده است که تشکیلات دولتی از نظر کمی بیش از حد لازم رشد نماید و از نظر کیفیت از کار

آنی لازم برای پیشبرد هدفهای ملی برخوردار نباشد. این توسعه کمی و عدم کارائی امکان نظارت و ارزشیابی روی مجریان دولتی را تقریباً غیر ممکن نموده و تشکیلات

اجرائی مملکت عملاً بصورت نیمه فلج درآمده است. اثرات مستقیم این عدم کارائی دستگاههای اجرائی ایجاد نارضایتی، بدبینی و عدم اعتقاد در سطح وسیع جامعه نموده که خود عامل دیگری برای عدم موفقیت تشکیلات اجرائی است. دانشجویان سپس پیشنهاد کرده بودند که هرچه زودتر تدابیری اندیشیده شود که اصل سپردن کار مردم به مردم واقعیت پیدا نماید و حتی - المقدور از مداخله دولت در اموری که انجامش بدست خود مردم و بخش خصوصی امکان پذیر است جلوگیری شود. بنظر من تا روزیکه این تمصیفة در تشکیلات دولتی صورت نپذیرد جامعه ما تحت تأثیر این مشکل بوروکراسی نخواهد توانست بین هدف و عمل هماهنگی لازم را ایجاد کند.

با توجه به مشکلات فوق که در پیشرفت سریع ما اختلالاتی ایجاد کرده باید اذعان کرد که کارهای زیادی هم در طی چند سال گذشته در مملکت انجام شده که غیر قابل انکار میباشد. (صحیح است).

مخصوصاً در سالهای بین ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ یکی از سریعترین رشدهای دنیا را داشته است. برای اینکه عرایض را مستند ارائه کرده باشم از مجله معروف اکونومیست که ترجمه‌اش در خواندنیها درج شده بود نقل میکنم زیرا گویا مخالفین مطالب خارجی را بهتر می‌پسندند. مجله اکونومیست چاپ انگلستان در اوت ۱۹۷۶ طی مقاله مفصلی نوشت در بین کشورهایی که در حال توسعه

هستند، کشور ایران در سالهای بین ۱۹۶۳ و ۱۹۷۳ یکی از سریع‌السيرترین کشورهای جهان بود و با حرکت چهار نعل سریع بسوی جلو میتاخت بطوریکه این سرعت زیاد، او را دچار اشکال تنفس کرد و بهمین جهت بهتر است که اکنون حرکت چهار نعل را تبدیل به یورتمه نماید تا بتواند وضع خود را تثبیت نماید. شاهنشاه ایران که اینک ۵۶ سال است برای رسانیدن کشور خود به صف کشورهای صنعتی جهان خیلی شتاب دارد و این شتاب ناشی از دو چیز است: اول اینکه ذخائر نفت ایران که ضامن صنعتی شدن کشور میباشد محدود است و شاهنشاه میدانند که آن ذخائر بزودی با تمام خواهد رسید و دوم اینکه شاهنشاه این نگرانی را دارد که اگر صنعتی شدن کشور به طول انجامد شاید اوضاع دنیا با اجازه ندهد که کشورش را مبدل به یک کشور صنعتی بزرگ نماید پیشرفت ایران در سالهای یاد شده بقدری موفقیت آمیز بود که در واقع باعث ایجاد یک نوع غرور و اعتماد بیش از

حد در برنامه‌ریزان و مجریان گردید، همزمان با این غرور و اعتماد، در اثر افزایش ناگهانی قیمت نفت میزان درآمد کشور از نفت از ۳/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۳ به ۲۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۶ رسید. برنامه‌ریزان اقتصادی و صنعتی مملکت تصمیم گرفتند قسمت اعظم این درآمد را با تجدید نظر و دوبرابر کردن بودجه برنامه پنجم عمرانی کشور وارد بازار نمایند. در همین زمان بود که آثار سوء سرمایه‌گذاری بیش از حد بدون در نظر گرفتن قدرت جذب بازار، در اقتصاد و صنعت نوبای کشور بصورت تنگناهای مختلف و تورم شدید ظاهر شد، این ازدیاد پول باعث شد تا در برنامه‌های عمرانی کشور سرمایه‌گذاری زیادی بشود ولی با توجه به عدم کارائی دستگاههای اجرائی که قبلاً اشاره شد موجب گردید که عده‌ای از مسئولین اجرائی به سوء استفاده‌های خود شدت بیشتری بدهند و ارتشاء و فساد که سالها در دستگاههای اجرائی رواج داشت در داخل و خارج حکومت توسعه پیدا نماید.

بنابراین ازدیاد درآمد که سطح توقع مردم را بالا برده بود نه تنها به امیدهای آنها جامه عمل نپوشید بلکه با ایجاد تورم شدید وضع زندگی را برای بسیاری از مردم دشوارتر کرد و مردم در بسیاری از نیازهایشان مثل مسکن و حتی مواد غذایی با کمبودها و بی‌نظمیهای مواجه و شکاف بین داراها و ندارها به میزان قابل ملاحظه‌ای گسترش پیدا نمود.

در تمام این مدت دولت که بدون توجه باین مشکلات اساسی با سرعتی سرسام‌آور در جهت صنعتی کردن کشور میشتافت با اندازه کافی به سنن، ارزشها و مذهب کشور و بطور کلی خواسته‌های مردم توجه ننمود. نارضایتی مردم وقتیکه با عدم رضایت در امور معنوی همراه شد جهت اجتماعی و سیاسی خود را پیدا نمود و مردمی که از انجام خواسته‌هایشان بوسیله دولت ناامید شده بودند دست‌دسته به گروهها و مجامع غیر دولتی و ضد دولتی روی آوردند. (صحیح است)

بنابراین وقتیکه از دو سال پیش فضای باز سیاسی در کشور اعلام شد و سرپوش برداشته شد نارضایتیها بصورت طغیان اجتماعی جوشید ملت ایران در این قیام خود خواستار مبارزه با فساد و برقراری اصول قانون اساسی بود این خواسته‌ها که همورد احترام همه ملت بود مورد حمایت همه قرار گرفت ولی گروههای سیاسی غیرقانونی که سالها فعالیتشان زیرزمینی بود موفقیت را مناسب

دیدند که از ناراضی مردم حداکثر بهره برداری را بنمایند بنابراین باهم آهنگ کردن شعارهای خود با شعار مردم در صفوف آنان رخنه کردند و با انتشار شایعات و اقدام به خرابکاری و ایجاد محیط ترور و وحشت جامعه را بسوی ناامنی سوق دادند. آنها که فرصت مناسبی بدست آورده بودند تصمیم گرفتند یک شبه ره چندساله بیمایند. در نتیجه با وارد کردن نیروهای جدید به صحنه مبارزات سیاسی مثل دانش آموزان و تشویق مردم به اعتصاب همگانی مختل کننده زندگی عادی مسیر قیام حق طلبانه ملت را عوض کردند. بطوریکه دیدیم ناگهان شعارها عوض شد و چهره زشت اجنبی و عمالش از پشت شعارهای ضد ملی متجلی گردید. دنیائی که از پیشرفتهای سریع ایران و از وحدت و یکپارچگی ملت ایران متضرر میشد یکباره امواج سهمگین تبلیغات خود را متوجه ملت برآشفته ایران کرد و اعتراض قانونی ملت را بسوی کشاند که متأسفانه نه تنها با اصول قانون اساسی و دین مبین اسلام مغایرت دارد بلکه موجودیت و استقلال کشور و ملت را به مخاطره انداخته است.

در چنین شرایطی وظیفه هرایرانی میهن پرست است که دردها، عقده‌ها و خواسته‌های شخصی خود را کنار بگذارد و برای نجات تام وطن از خطر نابودی حتی از جان و دل بکوشد. برای نجات وطن از این ورطه خطرناک طبیعی است که باید ابتدا امنیت و آرامش در سراسر مملکت برقرار شود تا در سایه این آرامش بتوانیم خواسته‌های قانونی ملت ایران را دنبال و تأمین نمائیم. ملت ایران قیام کرد که آنچه را که از دست داده بود بدست آورد نه اینکه آنچه را که داشت از دست بدهد.

ملت ایران قیام نکرد که جوانانش را از رفتن بمدرسه و فراگرفتن علوم و فنون باز دارد و آینده مملکت را نابود کند. ملت ایران قیام نکرد که تمام دستاوردهای چندین ساله خود را بدست شعله‌های آتش سپارد و نابود کند. ملت ایران قیام نکرد که قانون اساسی را که خون بهای وطن پرستان ایزانی است از زمین ببرد. ملت ایران قیام نکرد که اقتصاد ملی و تکنولوژی ملی خود را نابود کند. ملت ایران قیام نکرد که مایحتاج روزمره خود را مختل و خود را از دسترسی به نان و آب و بنزین و سوخت محروم نماید. بالاخره ملت ایران قیام نکرد که ایران را از دست بدهد.

خواست ملت ایران این است که در ایزانی آبادتر، آزادتر با عدالت و رفاه بیشتر در پناه دین مبین اسلام و رعایت دقیق اصول قانون اساسی زندگی کند (صحیح است - احسن است) اول باید این خواسته‌های منطقی و بحق ملت ایران را از خواسته‌های

شوم، غیر منطقی و غیر انسانی عواملی که در لباس ملت ایران در صفوف ملت رخنه کرده و میخواهند او را به بیراهه بکشند جدا نمائیم. اول باید حق را از باطل جدا نمائیم تا بتوانیم برای احقاق حق و محو کامل باطل با تمام نیرو تلاش نمائیم. برای اینکه باین هدف برسیم ابتدا باید مطمئن باشیم که کشور ما برای اجرای خواهد ماند. ابتدا باید آسوده خاطر باشیم مردم ما امنیت دارند که در کنار یکدیگر بدون دغدغه خاطر زندگی کنند باید مطمئن باشیم که جوانان ما به درشان ادامه مدهند و زندگی روزمره جامعه ادامه دارد باید مطمئن شویم که اقتصاد و تکنولوژی ما متوقف و نابود نمیشود و بعد همه با هم در نهایت جدیت تلاش کنیم تا مبارزه‌ای که علیه فساد و فاسدین شروع شده است تا حصول نتیجه نهائی ادامه دهیم. و حکومت قانون و عدالت اجتماعی را که خواسته بحق ملت ایران است برقرار نمائیم.

چون برنامه دولت موجود درست همین موارد است که اشاره شد من بنام یک ایرانی که خواستار موجودیت و ترقی و تعالی میهن خود هستم به دولت شما جناب آقای نخست‌وزیر رأی مثبت میدهم. نه تنها به شما رأی مثبت میدهم بلکه با تمام نیرو شما کمک خواهم کرد که مملکت را از این بحران خطرناک نجات بدهیم.

ولی از شما میخواهم باین نکته اساسی توجه داشته باشید که میدانم توجه دارید که این امنیت که امروز دنبالش هستیم نیز بخاطر رفاه ملت ایران است نه خود ارزشی مافوق رفاه و زندگی مردم. بنابراین بنام یک نماینده مردم از شما میخواهم با دقت هرچه بیشتر سعی نمائید از کشتار بیمورد مردم جلوگیری کنید بمسئولین دستور اکید بفرمائید با اندک بهانه‌ای بروی مردم تیراندازی نکنند. مخصوصاً که در این تیراندازیهامعمولاً آنانکه قربانی میشوند از محرکین و مسببین اصلی هرج و مرج و ناامنی نیستند. محرکین اصلی همیشه پشت جبهه هستند و آسیبی نمی‌بینند برای اینکه هرچه زودتر مملکت را به روال عادی خود برگردانید لازم است محرکین اصلی را که معمولاً شناخته شده هستند دستگیر نمائید.

در خاتمه از پشت این تریبون ملی به شما جناب آقای نخست‌وزیر اعلام میکنم که آنچه که پای پاسداری از قانون اساسی و دفاع از موجودیت و استقلال میهن عزیز در میان است من نماینده مردم از شما سرباز وطن جدا نیستم و مطمئن باشید هیچ ارزشی را مافوق استقلال وطن نمی‌شناسم و میثاق خود را با ابرمرد ایرانی پرست حکیم ابوالقاسم فردوسی تجدید میکنم:

چنانچه درست بیان کرده باشم در طول چندین سال گذشته این وقایع رنج‌آور بی سابقه بوده است (صحیح است) که سرآغاز آن از شهر تبریز یعنی حوزه انتخابیه ام شهری که زادگاه مشروطیت ایران می‌باشد بوده است.

و هنوز زخم در پیکر مام وطن درمان نگشته بود که شاهد زخم‌های دیگری شدیم و یکی پس از دیگری وارد شد و دیدیم که چگونه افراد بیگناه و جوانان آیندساز این مرز و بوم جان عزیز خودشان را از دست دادند و زده‌ها و هزاران خانواده را عزادار و در بعضی اوقات ملت ایران را ماتم زده کردند.

آری خیرهای این همه اتفاقات ناگوار را از طریق رسانه‌های گروهی شنیده‌ایم و با زخم در گوشه و کنار این رهگذر فجاج تازه اتفاق می‌افتد و با زخم خون جوانان یا بهتر بگویم مردمی که به خاطر والاترین و درعین حال پرشکوه‌ترین جلوه حیات یعنی دموکراسی و آزادی و حق و عدالت مبارزه میکردند ریخته شد اگر بخواهم از وقایع تلخ تبریز - یا آذربایجان یعنی از حوزه انتخابیه ام سخن بگویم ناگزیرم پایگاه مذهبی قم را بخاطر آورم که چه اتفاقات ناگوار در حوزه علمیه قم اتفاق افتاد تا جایی که به حریم خانه مرجع تقلید شیعیان جهان یعنی حضرت آیت‌الله العظمی سید کاظم شریعتمداری اسائه ادب شد و حتی دونفر در آنجا جان خودشان را از دست دادند.

دکتر تجدد - دهمرتبه تا حالا این مطالب را گفته‌اید.

اسحقی نژاد - البته، مگر میشود به سادگی این وقایع را بفراموشی سپرد؟ و باید از آن اتفاق آبادان سخن گویم که تا به امروز مسببین آن حادثه تلخ و رنج‌آور پیدانشده‌اند یا اینکه از اصفهان - شیراز - کرمانشاه - بابل - امل - یا اتفاق ۱۷ شهریور تهران که روز سیاه نامیده شده است باید نام ببرم و یا اتفاقاتیکه در زنجان - پاوه - مها باد -

یزد - و آن اتفاق ناباور کردنی کرمان که مردم را ماتم زده کرد و یا اینکه در ۱۴ آبان تهران اتفاقی که افتاد همه و همه اینها ملت ایران را آزرده و تلخ کرده است و تا به امروز نیز مسببین این حوادث برای مردم شناخته نگردیده‌اند که چرا خون بی‌گناهان ریخته شد و در کلیه اتفاقات ملاحظه فرموده‌اید که مرجع عالی‌قدر شیعیان جهان حضرت آیت‌الله العظمی حاجی سید کاظم شریعتمداری چگونه با صدور اعلامیه‌ای ابراز تأسف مسلمانان را بیان فرموده‌اند و

تیمسار ارتشید از هاری شما وعده داده‌اید که بعد از برقراری نظام و امنیت جای خودتان را به یک دولت

چو ایران نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
(احسن است)

رئیس - آقای اسحقی نژاد بفرمائید.
محمدحسین اسحقی نژاد - یاری خدای بزرگ باری دیگر از خدای بزرگ و توانا استمداد میطلبم توفیق عنایت فرماید که زبان مرا در راه حق و حقیقت گویا بدارد.

منصور صادقی - مطالب اقلیت شبیه بهم است.
اسحقی نژاد - چه باید کرد گفتنی‌ها را به موقع باید گفت، وجدان بیدار، ایمان هوشیار انسانها را گاهی به ورطه خطر و بعضی موقع بزحمت میکشاند.

با توجه به کج‌سلیقگی و رویرو شدن با مستی از دست‌اندرکاران که مسلماً قدرت و زور یا بهتر بگویم زرشان بیش از من کارگر میباشد.

باز هم احساس دل‌بستگی به مردم و عشق به وطن و زادگاهم و همچنین به آینده مملکت منب میشود مثل همیشه توکل بخدا کنم و از علی بن ابیطالب علی مولای متقیان مدد طلبم و علی گویان فتار توأم با وجدان خود را در مقابل قسمی که در این ساحت مقدس مجلس شورای ملی یاد کرده‌ام بزبان آورم. بدان امید که انشاءالله پروردگار بزرگ و توانا توفیق عنایت فرماید.

تیمسار ارتشید از هاری و سایر همکارانشان و یا مسئولین اجرای این مملکت که امروز دست‌اندرکارند از این رهگذر و از گذشتگان عبرت گرفته تا انشاءالله تعالی روزنه امید روزهای درخشان و تجلی فراوان داشته باشیم و احياناً در بنیام چنانچه اشتباهاتی داشته باشم کارگرم و عذر منقول.

سیف‌الله افشار - کارگر هم باید با سواد باشد!
اسحقی نژاد - بله، کارگر هم باید با سواد باشد ولی لازم نیست عالم باشد.

قبل از اینکه در مورد برنامه دولت به بحث بپردازم بایک پیش‌گفتار به بیان خود ادامه میدهم. آنچه امروز همه می‌گویند و مورد تأیید همگان است و شکی بر آن نیست اشتباهات و ندادن کاری‌ها و خیانت‌های بعضی از مسئولین اجرائی و دولتهای گذشته است که خشم عمومی را برانگیخته است. و لازمست در این مکان مقدس یادآور باشم که قاطبۀ ملت ایران در حال حاضر هم متأثرند و هم متأسف و هم ماتم زده و هم غمناک بخاطر اینکه در عرض یک سال گذشته ملت ایران شاهد وقایع تلخ و گوناگون و تأسف‌آور در گوشه و کنار این مملکت بوده‌اند.

دموکرات خواهید داد.

باید بگویم ملت ایران سالهاست که میخواهد دموکراسی واقعی داشته باشد.

دولتی که به دور ازسرنیزه و کشت و کشتار باشد شما موقع معرفی دولت خودتان تکیه براین کردید گرچه بعضی ازوزراء نظامی هستند و امور وزارتخانه‌ها را اداره خواهند کرد.

اما من میخواهم بگویم بعد از حکومت نظامی آمدن دولت نظامی به مصلحت ملت ایران نیست زیرا همانطوریکه می‌دانید مردم حکومت نظامی را قبول نداشتند و از طریق جراید و روزنامه‌ها مشاهده فرموده‌اید که طبقات مختلف مردم با تشکیل اجتماعات و انجام تظاهرات خواستار لغو حکومت نظامی بودند و جای تأسف است بجای اینکه حکومت نظامی لغو شود یک دولت نظامی نیز اختیار مملکت را به دست گرفت.

رحیمی لاریجانی - این حکومت یک حکومت قانونی است. **اسحقی نژاد** - عجله نکنید در این مورد نیز صحبت خواهیم کرد و اینکه در شرایطی هستیم که نه تنها حکومت نظامی بر ما مسلط است. بلکه موجودیت آزادی که تازه بدست آمده بود از مردم گرفته شده است و تعجب آور است که دولت برای ساکت کردن مردم خود را دولت موقت معرفی می‌نماید.

منصور صادقی - دموکراسی از این بیشتر که شما بپشت این تریبون قرار گرفته‌اید؟!

عباس میرزائی - اگر در مملکت دموکراسی نبود شما هم در این مجلس نبودید.

اسحقی نژاد - آقای عباس میرزائی حالا که در امور کارگری صحبت نکرده‌ام که شما ناراحت باشید بگذارید به موقع خواهیم گفت. یا موقتاً روزنامه نباشد یا موقتاً اجتماعات قانونی نباشد موقتاً آزادی نباشد!

و چنین چیزی فکر میکنم در هیچ جای دنیا سابقه ندارد (صحیح است).

و هرگز نمی‌توان حقوق و آزادی‌های سیاسی را موقتاً از مردم سلب نمود.

منصور صادقی - مگر شما خواستار اوضاع آنارشیستی هستید؟ **اسحقی نژاد** - ملت ایران در این مورد قضاوت میکند و ما که با حکومت نظامی موافق نبودیم و در دولت‌های گذشته نیز بخاطر حکومت نظامی مخالفت می‌کردیم طبیعی است با این دولت که نظامی اندر نظامی است نمی‌توانیم موافق باشیم.

مهندس صائبی - نود درصد اعضای دولت نظامی نیستند.

اسحقی نژاد - حکومت نظامی یا دولت نظامی سیستم نظامی روش نظامی هرگز نمی‌تواند مشکلات اجتماعی ما را حل نماید سهل است مشکلات دیگری را نیز به وجود می‌آورد و ادعای این که برای استقرار امنیت این دولت موقت بوجود آمده قانع کننده نیست زیرا اولاً مملکت امنیت داشت و تظاهرات سیاسی که یکی از نشانه‌های ملت‌های زنده است. دلیل عدم امنیت نمی‌تواند باشد.

منصور صادقی - اگر وزیرتان بکنند همه چیز خوب میشود و دموکراسی هم پیدا خواهد شد!

اسحقی نژاد - ثانیاً اگر آتش زدن‌های بعضی از مؤسسات بزرگ و تعداد زیادی از بانک‌ها - یاسیناها - ویا کاباره‌ها..... باشد.

اولاً در بین مردم شایعات زیادی است که قطعاً دولت اطلاع دارد..... که میگویند آتش زدن‌های بزرگ خدای نخواستہ عمدی بود و خواسته‌اند به این بهانه دولت نظامی بیاورند ثانیاً اگر آتش زدن به دست عده معدودی صورت گرفته تقصیر ۳۰ میلیون نفر مردم چیست که به بهانه آن زیر بار حکومت نظامی وزیر بار اعمال قدرت یک دولت نظامی بروند؟

بعلاوه این که میگویند می‌خواهیم زمینه را برای انتخابات صددرد آزاد فراهم نمائیم.

اصولاً دولت‌های غیر نظامی بهتر می‌توانند چنین فضائی را بوجود آورند و با گسترش آزادی‌ها و آزادی رسانه‌های گروهی و نظایر آن بتدریج زمینه‌های سالم برای انتخابات صددرد آزاد فراهم میشود و الا یک دولت نظامی با برقراری حکومت نظامی و یا با خفه کردن مردم چگونه می‌تواند تصور نمود که برای انتخابات آزاد بتواند زمینه را فراهم نماید؟

این تعجب‌آور است و معقول نیست. که از یک چنین دولتی انتظار چنین خدستی داشت.

بنده با کمال اعتقاد و ایمان راسخ که به قانون اساسی و به استقلال مملکت خود و مقدمات مملکت خود و زادگاهم دارم وجود حکومت نظامی و استقلال دولت نظامی را به هیچ وجه به مصلحت ملت ایران و مردم این کشور و مقدمات این مردم نمی‌دانم و یقین دارم ادامه این وضع کار را بدتر و اوضاع را آشفته تر و نگرانی‌ها را بیشتر خواهد کرد و تاریخ ایران شاهد باشد که من در چنین روزی و در چنین مکان مقدس در چنین ساعتی این هشدار را به مسئولین اجرائی این مملکت دادم. هر قدر بیشتر مردم را در چنین فضائی نگه دارید و لو اسمش را هم موقت بگذارید به همان اندازه به وخیم شدن اوضاع کمک خواهید کرد.

در شرایطی که همه جهانیان سعی و کوششان این است به ملت‌ها آزادی‌های سیاسی داده شود. درست در خلاف این جهت بین المللی و خلاف جهت این آزادیها قدم بر می‌داریم.

بنظر می‌آید این بی‌توجهی به مملکت است و یا این لج‌بازی باسرنوشت این ملت است و این لج‌بازی با استقلال این مملکت است آری مردم امنیت میخواهند اما نه امنیتی که توأم با زور و سرنیزه باشد.

مردم میگویند ما به کلیه نظامیان احترام می‌گذاریم چون این نظامیان و یاسایر افراد انتظامی برادران و یا فرزندان ما هستند.

و ملت ایران همیشه برای سربازان خود احترام قائل بوده‌اند و هستند.

و اینها هستند که در دفاع از کشور عزیزمان عهده‌دار حفظ امنیت میباشند (صحیح است)

نه اینکه بر بالای سرمان زور، سرنیزه و گلوله باشد. همانطوریکه در برنامه دولت گذشته نیز نقطه نظرهای خودم را مطرح کرده‌ام و یاد ر همین ساحت مقدس بیان کرده‌ام و اعلام نمودم که مردم از شکنجه و کشت و کشتار به ستوه آمده‌اند.

مردم برای بدست آوردن آزادی بهای گرانی را پرداخته‌اند. و یا بهتر بگویم قربانی‌ها داده‌اند. مبارزه کرده‌اند. و یا اعتصابها کرده‌اند. اما نتیجه کار چه بوده است؟

بازگشت فشار و اختناق و یا به قول مردم آمدن دولت نظامی به روی کار و یا فشار هر چه بیشتر به دوش مردم راستی تیسلساز ارتشبد از هاری تا کی میشود بازور سرنیزه؟ و یا حکومت نظامی حکومت کرد؟

من تصور میکنم شاید تا مدت کوتاهی، مدت کوتاهی که چند روز یا چند ماه بیشتر نمی‌شود بر آن تکیه کرد بهر تقدیر من تصور میکنم. این دولت بقول شما دولت موقت جای خود را به یک دولت بلی و مردمی واگذار کند چون اهمیت این مسئله برای مردم بیشتر است چرا که مردم بخاطر این قربانی نداده‌اند که زور سرنیزه ساکشان کند. و یا..... در بین مردم شایع است صبح روزی که دولت شما به روی کار آمد مأموران نظامی روزنامه‌های: کیهان، اطلاعات، آیندگان را اشغال کردند. یعنی در واقع روزنامه‌های پرتیراژ کشور یک نوع توقیف شد و ما مردم بمامیگویند که از دولت سؤال کنید دلیل منتشر نشدن روزنامه‌ها و یا اینکه دلیل توقیف آن چیست. بگذارید با صراحت بیان کنم مردم این

روزها در این مورد احساس خلاء میکنند. چرا بخاطر اینکه آنها در بهاری که به مطبوعات رو کرده بود، تیراژهای سنگینی پیدا کرده بودند. اما عملاً می‌بینیم که انتشار روزنامه‌ها دچار چنین وضعی شده‌اند این کار بهر دلیل و عنوانی باشد پسندیده نیست. در شرایطی که از فضای با سیاسی حرف می‌زنیم. چگونه میتوانیم به جهانیان بگوئیم که روزنامه‌های ما یا بخاطر وجود سانسور و یا غیره منتشر نمیشود **منصور صادقی** - در دوره‌ای که نماینده مجلس بودم یکبار هم اسم مرا نوشتند.

اسحقی نژاد - آخر هیچوقت چیزی نمی‌فرمودید بهر حال قبول بفرمائید که حتی با وجودیکه روزنامه‌ها منتشر نمی‌شوند باز هم ما در شرایط فعلی در بعضی شهرها بطوریکه شنیده میشود شاهد تظاهرات مردم هستیم.

یکنفر از نمایندگان - شنیدن کی بود مانند دیدن! **اسحقی نژاد** - جالب اینکه خبرهای دهان به دهان حقایق را بطور وحشتناکی وارونه جلوه میدهد.

فرضاً اگر در تظاهراتی ۲ نفر کشته میشوند روزنامه نگاران موظف بودند تا حقایق را بنویسند و عین رقم را منتشر کنند. اما متأسفانه می‌بینیم و می‌شنویم که بخاطر نبودن روزنامه‌های معتبر حتی اگر در تظاهرات ۲ نفر کشته شده باشد شایع اینست که چند برابر کشته شده‌اند و این رقم مرتب افزایش پیدامی‌کند (صحیح است).

بطوریکه یک مرتبه می‌شنویم به چندین برابر نیز افزایش یافته است. حالا ملاحظه می‌فرمائید. نبودن روزنامه‌ها چه وضع خطرناکی را باعث میشود. وضعی که باعث میشود تا مردم مسأله‌ای را شایع کنند و خطر شایعه مسلماً چیزی است که نمیتوان آنرا نادیده گرفت و علاوه باید توجه داشت که نمی‌توان به عدم انتشار روزنامه‌هایی نظیر - کیهان یا اطلاعات و یاسایرین که مردم آنها را جزئی از زندگی خود میدانند، بی‌اعتنا بود.

تازه من در مورد عدم انتشار روزنامه‌ها نیز حرفهای بسیاری از مردم شنیده‌ام و آنها هم به این عبارتست که دولت میخواهد به زور مطالب خود را به آنها دیکته کند و خبرنگاران و نویسندگان و حتی مدیران مطبوعات نیز زیر بار نمی‌روند. آیا این شایعات صحیح است یا نه؟ امیدوارم دولت موقت شما به چنین مطالبی که در بین مردم شایع است جواب قانع کننده‌ای بدهد تا برای مردم اوضاع روشن گردد. آری مردم انتظار دارند که هر چه زودتر تکلیف مطبوعات روشن شود و آنها بتوانند با آزادی کامل روزنامه‌ها را منتشر کنند. و رادایوهای

محل نظیر رادیو تهران بتواند برنامه‌های یاری دهنده خود را ادامه بدهند.

بنظر من اگر خشم مردم فروکش نمی‌کند علت آن سیاست مسامحه و ملامت دولت‌ها در مقابل غارتگران و دزدان بیت‌المال عمومی و همچنین کسانی که یک شبه دارای میلیونها ثروت شدند و یا یک شبه ثروت خود را به اعداد نجومی رسانیده و بیت‌المال مردم را تاراج نموده‌اند و یا به روشی که بصلاح خودشان بوده است انجام داده‌اند چرا بخاطر اینکه چون ماهر روز شاهد فرار عده‌ای از آنها و یا دزدان بیت‌المال عمومی بخارج از کشور هستیم بدون اینکه تابعال حتی یک نفر از آنها در مقابل ظلم و ستم و غارتگری خود در مقابل ملت ایران و در جلو میز عدالت زانو بزنند و تاوان این همه خستگی‌ها را پس بدهند یا اسوالمشان مصادره گردد..... و هیچ گونه اقدامی در این مورد مشاهده نمیکنیم بلکه این مطالب را می‌شنویم که فلان شخص ممنوع‌الخروج میباشد و به تمام دستگاههای اجرائی و انتظامی نیز اطلاع داده شده است که از خروج آنها جلوگیری و آنها را دستگیر نمایند. ولی پس از چند ساعت و یا چند روز باز می‌شنویم که همان شخص ایران را ترک گفته است آیا این است رسم اجرای قانون؟ آیا این است جلوگیری از چپاولگران، چرا مسئولین اجرائی حس مسئولیت در این مورد نمیکنند و علت آن چیست وجه کسانی در این مورد قصور کرده‌اند و منصرف هستند آنها را معرفی نمایند. مگر رهبران مملکت در روز غدیر خم بکلیه ناراحتی‌ها و کارهایی که خلاف بود باهم صدائی با مردم بیان نفرمودند که باید مردم بچشم خود ببینند و باور کنند به عقیده من مردم ایران انتظار بازگشت استقلال قوه قضائیه را به معنی واقعی کلمه دارند. باید برای تشکیل دادگاههای ملی هرچه زودتر اقدام گردد این کار را باید دادگستری در کمال قدرت انجام بدهد و باید مردم آزاد باشند تا در جلسات علنی علل شکلیه‌ها و غارتهای بیت‌المال را بشنوند برای انعکاس جریان دادگاههای ما احتیاج به رسانه‌های گروهی داریم که ضمن اینکه روزنامه‌ها منتشر نمایند از رادیو و تلویزیون نیز جهت آگاهی مردم بخش گردد (صحیح است)

ملت ایران می‌خواهد عوامل فساد و کسبانی را که مملکت عزیزمان ایران را به این‌جا کشاندند بشناسد برای شناخت این‌ها و برای تعیین مجازات آن‌ها مردم بی‌صبرانه منتظرند که دادگاههای مورد اعتماد از قضات مورد اعتماد تشکیل گردد (صحیح است)

مردم خواستار آنند که عدالت اجرا شود و دادگاههای علنی با سؤال و جواب‌ها در اختیار مردم باشد. مسئولین اجرائی که در وظائف خود در سال‌هایی که گذشت ننگ و رسوائی را در پوشش (چشم قربان‌ها و چاپلوسی‌ها) تحمیل کردند و نگذاشتند حقایق به گوش مردم برسد و در نتیجه کار به امروز کشید، به امروز که ما می‌بینیم چه وضعی داریم وضعی غیرقابل توصیف و آرامشی که در پس آن طوفان سهمناک در جریان است چون مردم دیگر ایمان به حرف بعضی از مسئولین اجرائی ندارند مردم باید عهده دستگام قضائی را به بینند باید به بینند در مورد چپاولگران بیت‌المال چه تصمیمی گرفته میشود. البته من تصور نمیکنم با این وضعی که در عرض دو ماه گذشته عمل کرده‌اند ما نیز ناظر و شاهد بگیر و ببند بوده‌ایم ولی در طول این مدت از محاکمه آنان خبری نیست.

به عقیده من با روش فعلی نمیتوان بعد از این همه اتفاقات انتظاری داشت بلکه راه چاره را فقط و فقط در تشکیل هرچه زودتر و فوری دادگاه انقلاب ملی باید جستجو کرد و باز تکرار میکنم با عمل به مردم باید ثابت کرد که دولت با فاسدین و دزدان بیت‌المال مبارزه میکند و در این‌جا است که باید اذعان کرد چگونه میتوان انتظار داشت که مردم مملکتی را فقط و فقط با گفتارهای شیرین و قلابی و یا بهتر بگویم دروغین سرگرم کرد. و یا به خواسته‌های منطقی و اصولی آنان توجه نکرد بیاید به درددل کارگران تراکتور سازی تبریز که چند روز است در اعتصاب بسر میبرند رسیدگی کنید و ببینید چه گرفتاری قانونی دارند آیا کارگران به حق میگویند یا نه، ولی کسی نیست به تقاضای اصولی و منطقی آنان توجه کند بیاید رسیدگی کنید اگر حق میباشد حق آنان را پرداخت کنید بیاید به وضع کارگران خارجی رسیدگی کنید و ببینیم آیا به صلاح مملکت است کارگرانی که نیمه ماهر هستند و هم نوع آنان در این کشور فراوان پیدا میشود چرا باید با حقوق‌های کزانی آنها را بکار بگیریم و بیاییم به درددل‌های کارگران در کارخانجات رسیدگی کنیم اگر از آنان در رشد صنعت و افزایش و بهره‌وری و تولید مسئولیت میخواهیم درقبال آن و پزنده کار آنان به مسائل دستمزد و رفاهی و مسکن آنان توجه کنیم یا بهتر بگویم، اگر امروز با اعتصابات کارگری روبرو بوده‌ایم و یا هستیم علت آن‌ها را دست اندر کاران کارگری خوب میدانند و علل آن خیلی برای وزارت کار روشن و آشکار است. بخاطر اینکه طبقه بندی مشاغل کارگران با الگوی صحیح پیاده نشده است و تمام

کارگران از این طبقه بندی مشاغل ناراضی هستند. یا از دسترنج کارگران، مدیران در بعضی کارخانجات و همچنین اعضاء هیئت مدیره‌ها از حقوق‌های کلانی بلافاصله پادشاهی بزرگ استفاده مینمایند. و یا در کارخانجات بکارگران خارجی دستمزدهای بیشتری داده‌و آنها با مزایای بهتر استفاده میکنند. ولی در مقابل آنان کارگران ایرانی با همان مهارتها با حقوق کمتر و اندک مزایا. آیا این تبعیض‌ها جامعه کارگری ما را آلوده نمیسازد؟ و یا بهتر بگویم این روشها باعث ناراضی تراشی نمیشود. یقیناً تصدیق میفرمائید که کارگران ما را این گونه اعمال ناراضی خواهد کرد و انسان را به آن مثل معروف می‌اندازد که گویند یک بام دو هوا.... بیایید به وعده‌های چندین ساله خود عمل کنیم آیا چندین سال است که وعده میدهند قانون جدید کار بررسی شد و آماده است و در اولین فرصت به مجلس تقدیم خواهد شد بیاید هرچه زودتر قانون جدید کار را بخاطر رفاه کارگران و حتی مدیران کارخانجات به مجلس تقدیم کنید و به انتظار چندین ساله کارگران خاتمه دهید. امروز مجبور هستیم در ساحت مقدس مجلس شورای ملی اعلام کنیم بیاید از آن مدیران کارخانجات و یا کسانی که به صندوق تأمین اجتماعی از باب حق کسر بیمه از کارگران بدهکار است برسیم، شنیده‌ام میلیاردها ریال از مدیران صندوق تأمین اجتماعی از باب حق کسر بیمه کارگران که فکر میکنم بحرمانه است طلبکارند اگر توجه شود آلتی است که متوجه خواهید شد که چقدر وجه کسانی بدهکارند. چرا بخاطر رابطه‌ها و یا خدای نخواسته حق مسلم کارگران دریافت نشده است چرا و یا در امر مسکن کارگران که تا به امروز کوتاهی شده است چه فکر اساسی بکنیم که بکارگران چه جوار کارگاهها خانه‌های سازمانی آماده کنیم. و یا برای اینکه کارگران صاحب خانه شخصی بشوند از طریق بانک رفاه کارگران بابت هر کمتر ۲ یا ۳ درصد وام در اختیار آنان قرار دهیم تا بتوانند صاحب خانه شوند و از خانه بدوشی نجات پیدا کنند یا برای درمان کارگران و هم آهنگی درمان در سطح کشور این تبعیضات درمانی یا فارما کوبه‌ای که برای کارگران در نظر گرفته اند از بین ببریم درمان زادر کشور یکسان بکنیم نه اینکه برای کارگریک نوع درمان در نظر بگیریم و برای کاربند یک وضعی خاص پس وزارت بهداشت و بهزیستی اینگونه مسائل را بد نظر قرار داده و در رفع آن کوشا باشد و همچنین امروز اگر در مورد وضع درمان روستاها و بهداشت آنان غافل نمایم اگر به آمار روستاها مراجعه کنیم ۶ الی ۷ هزار روستا

داریم و این روستاها اکثرًا فاقد محل درمان یا درمانگاه و یا خانه بهداشت‌اند و حتی در اکثر مواقع بخاطر نبودن راه و محلهای درمانی جان عزیزان خودشان را از دست میدهند به این نوع مسائل توجه کنیم این مسائل است که مردم را سالهاست ناراضی و ناراحت کرده است یا بیاییم به مسائل فرهنگی و خواستههای معلمین یا بهتر بگویم فرشتگان نجات که آینده سازان این مملکت را تربیت میکنند توجه کنیم (صحیح است) و به درددل‌های رفاهی و اجتماعی آنان برسیم و بدانیم چگونه میتوانیم به نارسائیهای آنان اقدام کرد و یا برای مسکن آنان چگونه میتوان کمک کرد اگر بررسی شود ملاحظه خواهید کرد که ۶ درصد حقوق خودشان را از بابت کرایه مسکن پرداخت میکنند و قتیکه در ایران ما کلاسهای سه‌نوبتی داریم یعنی بچه‌ها در سه شیفت تحصیل میکنند بیندیشیم که چگونه برای نجات فرزندان خود آماده کردن نوباوگان آینده اقدام کنیم و دبستانها و کلاسهای راهنمایی و دبیرستانی را بعد نیاز خود تأمین کنیم و در کلاسهای درس به آزمایشگاهها توجه شود نه اینکه فقط بخاطر نبودن محل دریا و بناوین مختلفه دانش‌آموزان نتوانند از آزمایشگاهها استفاده کنند فقط به آن دلخوش باشند که تئوری درس یاد گرفته‌اند بیاید در مورد مدیران کل که در استانها مسئولیتی برای رشد فرهنگ و آموزش تربیت فرزندان ما قبول کرده‌اند رسیدگی کنیم که فرهنگیان از آن مدیران کل راضی هستند یا نه و اگر نیستند کسانی را به آنها تحمیل کنیم که قبولشان داشته باشند.

تیسار ارتشید از هاری، اجازه فرمائید به یک مسئله حساس اشاره کنم و آنهم اینست که در اثر بی‌توجهی مسئولین، هزاران نفر افراد مؤثر و مدیران لایق که داشته‌ایم از کار برکنار یا بازنشسته کرده‌اند و باز بعضی از آنان را بکار دعوت کرده‌اند یا سایر..... و یا برای نمونه مجبورم اسم ببرم خلبانان سمپاشی کشاورزی و یا سایر کارکنان را با حقوق‌های بطوریکه شنیده میشود مبلغ ۷ هزار تومان خلبانان را بازنشسته ولی در عوض شنیده میشود با مبلغ ۷ هزار تومان بجای آنانیکه با داشتن جوانی بازنشسته شده‌اند استخدام آیا این نوع مسائل به مصلحت نسلک و ملت است مسئبین این نوع مسائل کی است بیاید به اینگونه مسائل رسیدگی کنید و کسانی که خلاف قانون رفتار کرده‌اند بدست عدالت بسپارید و یا مدیران کل در استانها مسئولیت قبول میکنند کسانی

باشد که مورد تأیید کارکنان خود باشند و با صداقت و

ایمان کامل به وظایف اصلی خود عمل کنند مگر در خود آذربایجان ما شاهد شکوایتهائی از مدیرکل آموزش و پرورش و یا مخابرات از طرف کارکنان نیستیم و یا شکایات آنها بدست شما مسئولین اجرائی نرسیده اینها برسیم که آیا آنان حقیقت را میگویند آن وقت است که شما موفق خواهید شد این عصبانها را خاموش کنید بخواستههای منطقی و اصولی و قانونی آنان برسید تا آن عده از کارکنان با علاقه بیشتر و زحمت زیادتر در ایران آباد کوشا باشند.

(۲) راجع به ماده ۱۲ قانون گسترش قطبهای کشاورزی. رئیس - آقای قرائی فرمایشی دارید بفرمائید.

رئیس - آقای اسحق نژاد چون وقت این جلسه تمام شده است بقیه مطالبات را در جلسه بعد بفرمائید.

قرائی - دو طرح است تهیه شده وعدهای از همکاران امضاء کرده اند که تقدیم میکنم.

۴ - تقدیم دو طرح بوسیله آقای حسن قرائی (۱) راجع به ماده ۵ قانون حفاظت و بهره برداری مراتع و جنگلها

رئیس - طرحها بعداً قرائت میشود.

۵ - تعیین موقع جلسه آینده - پایان جلسه. رئیس - با اجازه خانمها و آقایان این جلسه را ختم می کنیم جلسه آینده ساعت سه بعد از ظهر و دستور ادامه بحث درباره برنامه دولت میباشد. (جلسه ساعت یک بعد از ظهر پایان یافت).

رئیس مجلس شورای ملی - دکتر جواد سعید

سؤال از دولت بوسیله آقای ابوالحسن عاملی

ریاست محترم مجلس شورای ملی

احتراماً پیرو گزارش حضوری هفته گذشته که در مورد حوادث روز جمعه مورخ ۱۳۰۷/۸/۱۹ شهر گچساران که عده ای از اهالی شهر در مسجد جامع گرد آمده و حدود ساعت ۱۱/۵ صبح عده ای چماق بدست بانان حمله ور شده که متقابلاً مردم در صدد دفاع از خود برمیایند و چون آنان را تعقیب و متواری میکنند سربازان برای متفرق کردن اهالی متوسل به تیراندازی میشوند که متأسفانه گلوله، تعدادی از افراد بی گناه را از پای در میآورد. در نتیجه شش نفر دانش آموز دبیرستانی و دانشسرای و دبستانی و کارگر جوان کشته و متجاوز از سی نفر زخمی بجای گذارده که آنان را به بیمارستانها منتقل میکنند، با اینکه بموقع مراتب به وزارت کشور و وزیر مشاور اعلام شده خواهشمند است مراتب بدولت ابلاغ شده و جناب آقای وزیر کشور در مجلس حاضر شده و پسولات زیر پاسخ دهند: - چه اقدامی در جهت شناسایی و دستگیری مسببین این حادثه معمول گردیده. - چه اقدامی در جهت تشبیه مسببین این حادثه شوم، در هر مقام و لباسی که هستند معمول گردیده که موجب تسکین آلام داغدیدگان و پدران و مادرانی که عزیزان جوان و ناکام خود را از دست داده اند، بعمل آمده است.

ابوالحسن عاملی - نماینده مردم کهکیلویه و گچساران در مجلس شورای ملی

سؤال از وزارت کشاورزی و عمران روستائی بوسیله آقای محمد حسین خسروی دارائی

خسروی دارائی

ریاست معظم مجلس شورای ملی

مستندعی است امر و مقرر فرمائید جناب وزیر کشاورزی و عمران روستائی در مجلس حاضر و به دو سؤال زیر پاسخ فرمایند. با شایسته ترین احترام - نماینده فریدن سرهنگ خسروی دارائی

۱ - چه مبلغ هزینه جهت دام داران متحرک در میپرانک فریدن تعیین گردیده و تا کنون با صرف هزینه میلیونها تومان چه عملی انجام شده آیا تا کنون از طرحهای پروژه بازرسی شده یا خیر اگر بازرسی شده نتیجه آن وجه مبلغ حیف و میل شده. و مسئول آن چه مقامی بوده است.

۲ - هزینه حیف و میل شده در شهرک شاهیلان فریدن چه مبلغ بوده و چرا تا کنون در مدت چهار سال مسئولان استان اصفهان از پیمانکار که بایستی طرحهای پروژه را انجام دهند مواخذه نمودند.